



ف

فا [Fà]: یکی از هفت نت موسیقی (چهارمین صدای موسیقی) که در سیستم آمریکائی آنرا با **F** نشان میدهند.

فابمُل [Fá-bemol]: از فواصل موسیقی. با کسر نیم پرده کرما تیک از نت فا حاصل میشود.

فاتح پاشائی [Fáteh Pásáwi]: این آهنگ که اصل چند ذکر است، شامل پاساژهای سه ضربی است که جلو شاهی را با گرفتن چند آهنگ مایه از آن تمام می‌کند. این آهنگ در موسیقی اهل حق در کرمانشاه و کردستان رایج است.

فاجیله [Fácil]: در اجرای قطعات موسیقی به مفهوم؛ آسان، نرم و قابل انعطاف است.

فاخته [Fáxte]: در علم وزن شناسی، نامی برای وزنی خاص بوده است. فاخته، یک وزن هفت ضربی بوده که سه ضرب سنگین و چهار ضرب سبک داشته است. فاخته به معنی اصلی، از اصول قدیمی موسیقی هم می‌آید.

فاخته ای [Fáxtei]: لطفاً به قوامی، حسین نگاه کنید.

فاخته ثقیل [Fáxteye Saqil]: وزنی در موسیقی مقامی گذشته ایران.

فاخته صغیر [Fáxteye Saqir]: یکی از هفت وزنی است که توسط غلام سلطان ملک شاه سلجوقی درست شد، و حاوی هجده ضرب است.

فاخته ضرب [Fáxteye Zarb]: وزنی، هفت ضربی است. حاوی سه ضرب سنگین و چهار ضرب سبک.

فاخته کبیر [Fáxteye Kabir]: یکی از هفت وزنی است که توسط غلام سلطان ملک‌شاه سلجوقی درست شده و حاوی شش ضرب است.

فاخره صبا [Sabā Fāxereh]: خواننده قدیمی و از شاگردان استاد عبدالله دوامی و همدوره با مرضیه، خاطره پروانه، الهه، هما و آقای کریمی.

فادیز [Fā-diyez]: fa # : با افزودن نیم پرده کرمانتیک به نت فا حاصل میشود.

فاراب [Fārāb]: واحد سنجش فاصله لگاریتمی موسیقی است. این واحد از طرف فارابی پیشنهاد شده است و به اختصار آنرا با **FAR** نشان میدهند.

فارابی [Fārābi]: ابونصر فارابی فیلسوف مشهور ایرانی در سال ۲۶۰ هجری در «دیه وسیج» از نواحی نزدیک فاراب سیحون بدنیا آمد. این عالم بزرگ هشتاد سال عمر نمود و در سال ۳۳۹ (۹۵۰ میلادی) چشم از جهان فرو بست.

فارابی را معلم ثانی می خوانند. او بالغ بر یکصد کتاب نوشته که در بین آنها، چند کتاب راجع به موسیقی وجود دارد. کتابهای فارابی از لحاظ اصطلاحات موسیقی بسیار غنی میباشد، فارابی موسیقیدانی بود که ساز بسیار زیبا می نواخت. او در موسیقی نظری، صاحب نظر بود، و در باره پرده های عود و گام تنبور خراسانی، تحقیقات با ارزشی انجام داده است. او در نواختن عود سر آمد بود و در آواز خوانی مهارت داشت. مشهورترین کتاب او: «موسیقی کبیر» میباشد.

این کتاب، تحت عنوان «الفارابیوس» به اروپائیان شناخته شده است و یکی از معتبرترین رساله های موسیقی آن عصر است.

فارس نوا [Fārs Navā]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوار کاست و **CD** ایرانی در شیراز.

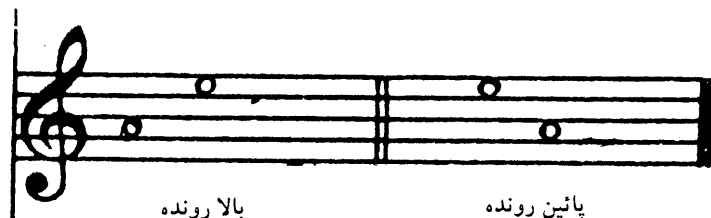
فاریا [Fāriā]: خانم فاریا، همسر هنرمند گرانقدر، قاسم قراب (فاریا) میباشد که از شاگردان ممتاز استاد اسماعیل مهرتاش و ابراهیم منصوری است. او از صدائی خوش برخوردار است.

فاریابی [Fāryābi]: زنده یاد فاریابی استاد تعلیم و سازنده مشهور تار و همدوره با ابراهیم سرخوش، فریدون حافظی و برادران معارفی.

فاریا، قاسم [Qāsem Fāryā]: لطفاً به غراب، قاسم نگاه کنید.

فا سَری [Fá-sori]: با نمای **fa** با افزودن ربع پرده به نت فا حاصل میشود.

فاصله [Fásele]: مسافت بین دو نت را فاصله گویند. فاصله از زیر و بم دو نت حاصل میشود. فاصله ها بر دو نوع میباشند، فاصله های بالا رونده و فاصله های پائین رونده.



از نظری دیگر، فاصله ها به متصل و منفصل هم تقسیم میشوند. فاصله متصل عبارت است از: هرگاه بین دو نت همسایه و متوالی قرار گیرد به آن متصل گویند. اگر فاصله بین دو نت غیر همسایه و غیر متوالی قرار گیرد به آن منفصل گویند.



فاصله آنارمونیک [Fáseleye anarmonik]: دو فاصله همصدا را با دو نام مختلف گویند، نظیر؛ دوم بزرگ و سوم کاسته (احتساب این نوع فاصله ها با نیم پرده بهتر صورت میگیرد).

فاصله استروکتوری [Fáseleye esteroktori]: فاصله بین دو صدای اصلی است که نقطه عطف ملودی را تشکیل میدهند. هریک از این دو صدا میتواند به عنوان نت فوقانی یا تحتانی، فاصله استروکتوری قلمداد گردد.

فاصله افزوده [Fáseleye-afzude]: اگر به فاصله های بزرگ، نیم پرده کروماتیک اضافه کنیم، فاصله افزوده ساخته میشود.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

فاصله افزوده تر [Fāseleye afzudetar]: با افزودن نیم پرده کروماتیک به فاصله افزوده حاصل میشود.

فاصله بزرگ [Fāseleye bozorg]: فاصله های بین درجات دوم، سوم، ششم و هفتم گامهای بزرگ، و فاصله های، دوم و هفتم، گام های کوچک نسبت به تنیک، فاصله های بزرگ هستند.

فاصله بیش افزوده [Fāseleye bišafzude]: هرگاه به فاصله افزوده ای، ربع پرده یا نیم پرده اضافه کنیم، فاصله بیش افزوده ساخته میشود.

فاصله بیش بزرگ [Fāseleye biš-bozorg]: هرگاه به فاصله بزرگی، ربع پرده یا نیم پرده افزوده کنیم، فاصله بیش بزرگ ساخته میشود.

فاصله بیش درست [fāseleye biš-dorost]: هرگاه به یک فاصله درست (فاصله های چهارم، پنجم و اکتاو گام های بزرگ و کوچک را نسبت به تنیک فاصله های درست میگویند) ربع یا نیم پرده اضافه کنیم، به آن فاصله بیش درست گویند.

فاصله ترکیبی [Fāseleye Tarkibi]: هرگاه فاصله بین دو نت، از یک اکتاو تجاوز کند، آن فاصله را ترکیبی گویند.



فاصله ثقل [Fāseleye Seq̄l]: پرده طنینی، بین دانگ اول و دانگ دوم، در گام موسیقی ایران.

فاصله درست [Fāseleye dorost]: فاصله های چهارم، پنجم و اکتاو گام های بزرگ و کوچک را نسبت به «تَنیک»، فاصله درست گویند. همصداها، جزء فاصله های درست هستند.

فاصله دو لا افزوده [Fāseleye dolā-afzude]: فاصله هائی که دو نیم پرده کروماتیک از فاصله های

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes̄) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الهای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

بزرگ و درست بیشتر باشند.

فاصله دولاکاسته [Fāseleye dolā-Kāste]: فاصله هائی که دو نیم پرده کروماتیک از فاصله های کوچک و درست کمتر باشند.

فاصله ساده [Fāseleye Sāde]: فاصله بین دو نت که از حدود اکتاو تجاوز نکند.



فاصله سوم افزوده [Fāseleye Sevvom-afzude]: زمانی پیش می آید که فاصله بین دو نت دو پرده و دو نیم پرده است.

فاصله سوم بزرگ [Fāseleye Sevvome-bozorg]: در این فاصله، فاصله بین دو نت، دو پرده است.

فاصله سوم کاسته [Fāseleye Sevvome-kāste]: در این فاصله، فاصله بین دو نت، یک پرده است.

فاصله سوم کوچک [Fāseleye Sevvome - Kucak]: فاصله بین دو نت، یک پرده و یک نیم پرده است.

فاصله شیطانی [Fāseleye Šeytāni]: به فاصله چهارم افزوده گویند که اجرایش بسیار مشکل است.

فاصله طینی [Fāseleye Tanini]: امروزه به نام؛ فاصله دوم بزرگ نامیده میشود. سابقاً به فاصله های کوچکی که آنها را ابعاد لحنی می گفتند، اطلاق میشده است.

فاصله فزونه [Fāseleye Fzune]: مساوی ۲۵۶/۲۴۳ فاصله ای کمی کمتر از نصف فاصله برگشت

آ،ا Adam (Ā,a) س،س Sarkes (S,s) ج،ج Jamw (J,j) غ،غ Qarq (Q,q) خیام (Xayyām) X,x Y,y

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (I,i) وحدان (Vojdān) V,v جوب (Cub) C,c زاله (Zāle) Z,z

(پرده) است.

فاصله کاسته [Fāseleye Kāste]: اگر از فاصله های کوچک و درست، نیم پرده کروماتیک کم شود، فاصله کاسته بدست می آید.

فاصله کبری [Fāseleye Kobrā]: فاصله ای است که از ۵ حرف تشکیل شده. چهار حرف آن متحرک و حرف پنجم آن ساکن است. بشکل «تَنَنَن».

فاصله کم درست [Fāseleye Kame-dorost]: هرگاه از یک فاصله درست، ربع یا نیم پرده کم شود، آن را فاصله کم درست گویند.

فاصله کم کاسته [Fāseleye Kame-kāste]: هرگاه از فاصله کاسته، ربع یا نیم پرده کم شود. فاصله کم کاسته بدست می آید.

فاصله کم کوچک [Fāseleye Kame-Kucak]: هرگاه از یک فاصله کوچک، ربع پرده کم شود به آن فاصله کم کوچک گویند.

فاصله کوچک [Fāseleye Kucak]: فاصله بین درجات سوم و ششم گام های کوچک نسبت به تنیک را فاصله کوچک گویند.
فاصله کوچک، با کسر نیم پرده کروماتیک از فاصله بزرگ حاصل میشود.

فاصله گسسته [Fāseleye gosaste]: دوت دوازدهم را که بین آنها، نت های دیگری واقع شوند: فاصله گسسته گویند نظیر (D) تا لا (A).

فاصله متصل [Fāselye Mottasel]: فاصله بین دوت پی در پی را گویند.

فاصله های مطبوع و نامطبوع [Fāselehāye matbuw va na-matbuw]: فاصله های یکم درست، پنجم درست و هشتم درست را مطبوع کامل و فاصله های سوم بزرگ، ششم کوچک، ششم بزرگ و ششم کوچک، را مطبوع غیر کامل و فاصله چهارم درست را مطبوع مشترک و پنجم کاسته، چهارم افزوده را

آ،ا Adam (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

نامطبوع جاذب و بقیه فاصله ها را نامطبوع گویند.

فاصله نغمگی [Fāseley naqmagi]: فاصله بین دو نت را که در پی هم به گوش رسند.

فاصله نیم بزرگ [Fāseleye nim bozorg]: یکی از هفت فاصله در موسیقی ربع پرده ای. فاصله ای با یک ربع پرده کمتر از بزرگ.

فاصله هفتم [Fāseleye haftom]: فاصله های هفتم چهار نوع میباشند: کاسته؛ فاصله بین دو نت؛ چهار پرده و نیم است. کوچک؛ فاصله بین دو نت؛ پنج پرده است. بزرگ؛ فاصله بین دو نت؛ پنج و نیم پرده است. هفتم افزوده که فاصله بین دو نت؛ شش پرده است.

فاصله هماهنگ [Fāseleye hamāhang]: هنگامی است که دو نت با هم شنیده شوند، نظیر: do و mi



فاصله همصدا [Fāseleye hamsedā]: به نت های هم صدا اطلاق میشود. همصدای درست یا فاصله اول درست.

فاضل بوشهری، عبدالله [Abdollah Fāzele Bušehri]: عبدالله فاضل بوشهری شاعر، در کودکی بعزت ابتلاء به آبله بینائی خود را از دست داد. او سالها بسیار در بوشهر به منبر می رفت و برای مردم شعر می خواند در سال ۱۳۱۲ خورشیدی از کلنل پسیان و شیخ محمد خیابانی دو آزادیخواه به نیکی یاد کرد. فرماندار بوشهر، سخنان او را به تهران گزارش و دستور تبعید او به بندرعباس صادر شد. او در بندرعباس پس از چند ماه به سال ۱۳۱۲ درگذشت.

فاضلی، نریمان [Narimān Fāzeli]: خواننده خوش صدای ترانه های محلی فارس. از این خواننده کارهای زیبایی نظیر آلبوم: چویل در دسترس میباشد.

Ā,a Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddan) I,i ایران (Iran) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن

فاطمه [Fâteme]: خواننده خوش صدای زن در دوران ناصری. این خوانند با نام فاطمه سلطان نیز مشهور است.

فاطمه [Fâteme]: ملا فاطمه، از خوانندگان، رامشگران و مطربان بسیار مشهور شیراز در عهد کریم خان زند بوده است. او، زنی زیرک و در خوانندگی مهارت بسیاری داشته است.

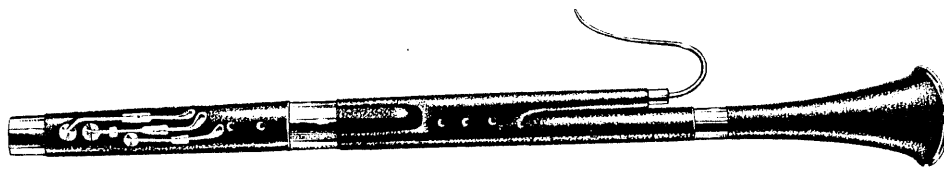
فاطمه سلطان [Fâteme Soltân]: فاطمه سلطان خانم از نوازندگان و نغمه پردازان عهد ناصرالدین شاه که بنا بدستور شاه در مورد آزموش دوازده دختر زیبا جهت آموختن موسیقی توسط ماه نساء خانم مادر پدر معیرالممالک، به فن موسیقی آشنا شد. از دیگر دوشیزگان نغمه پرداز میتوان به ؛ دلبر خانم، دل پسند خانم، عالیہ خانم، خاور خانم، سلطان خانم و زینب خانم اشاره داشت.

فاطمی، علی [Ali Fâtemi]: علی فاطمی در ۱۱ سالگی نواختن سنتور را در کانون موسیقی کودکان و نوجوانان تهران فرا گرفت. در سال ۱۹۸۱ به آمریکا آمد. دکترای خود را در رشته دندانپزشکی از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد. علی فاطمی، در نواختن تنبک نیز مهارت دارد و سالهاست که با ارکستر روح اله خالقی در آمریکا همکاری می کند.

فاطمی، نظام [Nezâme Fâtemi]: نظام فاطمی فرزند علی اصغر فاطمی از ترانه سرایان مشهور معاصر است که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در آشتیان بدنیا آمد. او فارغ التحصیل رشته ادبیات از دانشگاه تهران بود. او از سال ۱۳۳۰ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و بیش از ۳۵۰ ترانه سرود. از ترانه های این شاعر میتوان به: صدف با صدای سیمین، من و آئینه، عیش و نوش، حاصل عشق، غروب دهکده و جام طلا با صدای دلکش. صدای آشنا، با صدای داریوش رفیعی و گذشت عمر با صدای پروین اشاره داشت. او در امر فیلمنامه نویسی هم مهارت داشت و سناریو فیلم های: فردا روشن است و میوه های خندان، استوار و پاسبان از نوشته های اوست.

فاکرن [Fâ-koron]: با نمای fa ♪ با کم کردن ربع پرده از نت فا حاصل میشود.

فاگوت [Fâgot]: سازی است بادی چوبی. این ساز در حقیقت یک ابوای باس است. وسعت صدای آن سه اکتاو است.



فالستو [Fálseto] تغییرات متوالی صوت از حالت غیر طبیعی، صدای نازک که در واقع تقلیدی است که مرد از صدای زن می کند.

فامیلی، احمد [Ahmad Fámili]: مهندس احمد فامیلی در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در سمنان بدنیا آمد. در نوجوانی به تهران آمد و به دارالفنون رفت. سپس به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۳۲ از دانشکده کشاورزی مهندسی خود را دریافت نمود.

مهندس احمد فامیلی در نوجوانی دور از چشم پدر به فراگیری و نواختن ضرب و تار مشغول شد. مهندس احمد فامیلی صاحب گنجینه‌ای از نوار و صفحات موسیقی اصیل ایرانی است.

فانتزی [Fántezi]: قطعه‌ای آهنگین بدون قاعده و فرم مشخص که آهنگساز برای سازهای مختلف نوشته است.

فان فار [Fàn fār]: نوعی موسیقی جهت شکار که توسط دسته‌ای از نوازندگان سازهای بادی و مسی نواخته می‌شود. امروزه به ارکستر سازهای بادی فانفار اطلاق می‌شود.

فانوس، [Fánus]: کلوب هنری واقع در جاده قدیم شمیران در سالهای بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی که توسط هنرمند گرانقدر خانم دلکش تأسیس شد. خانم دلکش در این محل هوشمند عقیلی را معرفی کرد.

فانی [Fáni]: امیر کبیر نظام‌الدین علی شیر، از امرای معروف عهد سلطان حسین بایقرا و ندیم او بود. او، شاعر و نویسنده ترکی و فارسی بود. او به ترکی و فارسی شعر می گفت و در دیوان ترکی خود «نوایی» و در دیوان فارسی «فانی» تخلص میکرد. امیر علی شیر از ترکان جغتائی است ولی زادگاهش هرات است.

دیوان شعر فارسی او بالغ بر پنج هزار بیت و قصیده و غزل دارد.

فانی، عباس قلی [Abbás-qoli Fáni]: خواننده خوش صدا دوران قاجاریه و دایی چهار برادر

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Ž,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

هنرمند؛ حسین، علی، اکبر و امیر سلیمی تبار. عباس قلی فانی، در سرودن شعر بسیار مهارت داشت و سرقت دیوان اشعارش ضربه سختی به او زد. زنده یاد عباس قلی فانی به تمام گوشه های موسیقی ایرانی آشنا بود.

فانی کشمیری [Fāni Keśmiri] شیخ محسن کشمیری متخلص به فانی، از شاعران پارسی گوی سده یازدهم هند است. فانی در سال ۱۰۸۲ هجری درگذشت. کتاب های: دبستان مذاهب، نجات المؤمنین و شرح عین العلم از نوشته های اوست. از دیوان اشعار این شاعر به نسخه های کافی چاپ و در دسترس می باشد.

فایز [Fāyez]: از شعرای مشهور میناب (استان هرمزگان).

فایز خوانی [Fāyez-xāni]: نوعی آواز است که از دو بیتی های فایز دشتستانی و بابا طاهر استفاده میشود. این شیوه جزو موسیقی فولکلوریک ایران طبقه بندی میشود.

فائزه [Fāwze]: فائزه شاندیز خواننده ای که در آغاز فعالیت هنریش به باز خوانی ترانه های دلکش پرداخت و امروز یکی از فعالترین خوانندگان لس آنجلس می باشد. از فائزه آلبوم های بسیاری نظیر: یادش بخیر تو تهرون، گل دریا، همراز و آلبوم اصفهان همراه با معین و آلبوم سالهای طلایی با جمشید شببانی در دسترس می باشد. این خواننده توسط هنرمند گرانقدر جمشید شببانی معرفی گردید.

فتاحی، مهدی [Mehdi Fattāhi]: مهدی فتاحی نوازنده چیره دست ضرب و دف در سال ۱۳۴۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او نواختن ضرب را نزد هنرمند گرانقدر محمود فرهنگ بانی آموخت. مهدی فتاحی علاوه بر ضرب و دف با نواختن سه تار نیز آشنائی کامل دارد و او ردیف و گوشه های موسیقی ایرانی را نزد هنرمندان: لطف علی سیلانی و نوربخش فرا گرفته است. مهدی فتاحی در حال حاضر با گروه موسیقی دیلمان همکاری دارد.

فتاحی نیشابوری [Fattāhi Nišāburi]: مولانا یحیی سبیک فتاحی نیشابوری از شاعران و نویسندگان معروف سده نهم و معاصر شاهرخ است. نخست، تفاحی، تخلص میکرد، سپس تفاحی را به فتاحی بدل کرد. سال وفات او ۸۵۲ هجری است. از او دیوان اشعار، ده نامه و مثنوی مشهور «دستور عشاق» حاوی ۵ هزار بیت وجود دارد.

آ,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vokdan) وحدان O,o V,v (Cub) چوب U,u C,c (Zale) زاله Z,z

فتانه، بتول [Batul Fattâne]: از اعضای اتحادیه موسیقی دانان ایران در سال ۱۳۳۰ خورشیدی.

فتانه [Fattâne]: فتانه ملک زاده خواننده قدیمی که فعالیت هنری خود را از پیش از انقلاب با برنامه پنجره های تلویزیون آغاز کرد. فتانه پس از انقلاب به آمریکا آمد و جزو پُرکارترین خوانندگان لس آنجلس بود.

او، پیش از آنکه به لس آنجلس بیاید، در فلوریدا به کار آرایشگری پرداخت ولی در آن زمان بخاطر مسئله گروگان گیری، مغازه او را به آتش کشیدند. پس از ترک فلوریدا و آمدن به لس آنجلس، فتانه اولین آهنگ خود را که از ساخته های جمشید شببانی بود اجرا کرد و بخش آن از تلویزیون ایرانیان آقای علی لیمونادی صورت گرفت. این ترانه «گرفتار» نام داشت. فتانه مدتی فعالیت هنری خود را ترک کرد ولی مجدداً آنرا آغاز نموده است.

از فتانه آلبومهای بسیاری در دسترس میباشد از آن جمله: هوار هوار، گناه، سنگ، هفت روز هفته، گل و آتش، کولی و قناری ها.

فتح اله میرزای شعاع السلطنه [Fath-ollāh Mirzāye Šowāw-ol-saltane]: نوازنده زبردست کمانچه در زمان محمد شاه قاجار.

فتر [Fetr]: فاصله بین انگشت سبابه و ابهام که در نواختن آلات موسیقی قدیم چون عود نقش داشته است.

فتوحی، پریسا [Parisā Fotuhi]: نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان ممتاز استاد فرامرز پایور.

فتوره چی، اصغر [Asqar Fatureci]: نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر استاد مهدی خالیدی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

فتوره چی، گیتی [Giti Fatureci]: نوازنده زبردست سنتور و از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی دوره سوم در خردادماه ۱۳۵۷ در رشته سنتور میباشد.

فخام الدوله [Faxām-oddole]: از نوازندگان مشهور قدیمی تار و همدوره با میرزا بیابانی، محسن

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وودان (Vokdān) O,o V,v و (Cub) چوب C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

میرزاظلی و ارفع الملک.

فخام الدوله، سالها در ارکستر انجمن موسیقی ملی همراه با استاد علی نقی وزیری به نواختن تار می پرداخت.

فخام الدوله، علی محمد [Ali Mohammad Faxām-oddole]: لطفاً به فخام بهزادی نگاه کنید.

فخام بهزادی، علی محمد [Ali Mohammad Faxām Behzādi]: استاد و نوازنده تار و از شاگردان مشهور آقا حسین قلی و همدوره با استاد مرتضی نی داود. علی محمد فخام بهزادی (فخام الدوله) در سال ۱۲۶۴ خورشیدی بدنیا آمد.

او، نخست نزد یوسف خان صفائی، نواختن تار را آغاز کرد و در سن ۱۵ سالگی به کلاس آقا حسین قلی رفت. او پس از آقا حسین قلی، چندی هم نزد؛ میرزا عبدالله مشق سه تار کرد.

فخرالدین عراقی [Faxr-eddin Arāqi]: فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی از شاعران مشهور سده هفتم هجری است. سال تولد او ۶۱۰ و محل تولد او ده کمجان در اطراف همدان است. وفات عراقی در سال ۶۸۸ در دمشق اتفاق افتاد. دیوان این شاعر شامل ۴۵۱۵ بیت است که با افزودن عشاق نامه بر آن شامل ۵۵۶۸ بیت میگردد.

عشق شوری در نهاد ما نهاد. شعری است از فخرالدین عراقی که توسط علیرضا افتخاری اجرا شده است. آهنگساز، حسین شهبازیان و تنظیم کننده آن فریدون شهبازیان است. هم چنین گل باغ آشنائی، سروده دیگری از این شاعر است که توسط محمد رضا شجریان در مقام همایون اجرا شده است.

فخرالدین گرگانی [Gorgāni Faxr-eddin]: فخرالدین اسعد جرجانی از داستان سرایان و شاعران بزرگ ایران است. دوره شاعری و شهرتش مصادف با عهد سلطان ابوطالب طغرل بیک بن میکائیل بن سلجوق (۴۲۹ - ۴۵۵ هجری) است. نظم داستان ویس و رامین توسط این شاعر گرانقدر صورت گرفته است. فخرالدین گرگانی در سال ۴۴۶ هجری چشم از جهان فرو بست.

فخرالدینی، فرهاد [Farhād Faxr-eddini]: استاد فرهاد فخرالدینی، آهنگساز برجسته و مشهور در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. بعدها به هنرستان عالی موسیقی ملی رفت و پس از فراغت از تحصیل، اینک سالهاست که بعنوان استاد تعلیم موسیقی در این سازمان و هنرکده موسیقی ملی به تعلیم

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkeš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

هنرجویان می پردازد. فرهاد فخرالدینی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ رهبر ارکستر بزرگ رادیو تلویزیون ملی ایران بود.

او فعالیت سینمایی خود را در زمینه ساختن موزیک متن فیلم، با فیلم شوهر آهو خانم در سال ۱۳۴۷ آغاز نمود. از عمده ترین فیلم هائی که او برای آنها موزیک ساخته است میتوان به: کمال الملک (ساخته علی حاتمی)، روزهای انتظار (ساخته اصغر هاشمی)، گزارش یک قتل (ساخته محمد علی نجفی) و فیلم هائی چون؛ بوعلی سینا، پرستار شب، ساوالان، آپارتمان شماره ۱۳، ملک خاتون، قرق، آدم برفی، غریب آشنا و هم چنین سریالهای تلویزیونی نظیر: سربداران، ابن سینا، امام علی اشاره داشت.

آهنگ؛ پُرکن پیاله را با شعری از فریدون مشیری و صدای محمد رضا شجریان و بهارم دخترم و ترانه؛ زد مار هوا بر جگر غمناکم با صدای صدیق تعریف از ساخته های این آهنگساز گرانقدر است.

فخرالسادات [Faxr-ol-sādāt]: مادر استاد مرتضی خان محجوبی که نواختن پیانو را خوب میدانست و او مشوق مرتضی محجوبی در امر فراگرفتن موسیقی بود.

فخرالملوک خانم [Faxr-ol-mluk Xānom]: از خوانندگان اواخر عهد قاجاریه که از او صفحاتی توسط کمپانی هیز مستر ویس ضبط و وجود دارد. صفحاتی چون: آواز دشتی، آواز افشاری، آواز سه گاه، آواز ماهور، دلکش و عراق، آواز ابو عطا و حجاز و آواز همایون، بیداد.

فخر طباطبائی، محمد [Mohammad Faxre-Tabātabāi]: استاد تعلیم ویلن در بروجرود در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی.

محمد فخر طباطبائی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در بروجرود بدنیا آمد. در کلاس دوم دبستان، معلم سرودی داشت بنام جعفر خرسندی که ویلن خوب می نواخت.

و این هنرمند انگیزه و شوق موسیقی را در محمد بوجود آورد.

او از سال چهارم دبیرستان کار نوازندگی ویلن را بطور رسمی آغاز نمود و بعدها، کلاس موسیقی بنام پرستو باز کرده و به آموزش هنرجویان پرداخت.

محمد فخر طباطبائی از سال ۱۳۴۴ به استخدام بانک سپه درآمد و از فعالیت های گسترده او در زمینه موسیقی کاسته شد.

فخیم دفتر [Faxim Daftar]: نوازنده چیره دست کمانچه و سه تار و منشی میرزا علی خان قوام السلطان پدر استاد عبدالله دادور.

A,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

فخیمی [Faximi]: استاد نواختن تار در ساوه به سال ۱۳۱۸ خورشیدی و از شاگردان معروف درویش خان.

فخیمی کیا، غلام حسین [Qolām Hoseyn Faximi-kyā]: مدیر و استاد هنرستان موسیقی پسران در تهران. او در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد، و در سال ۱۳۳۵ به هنرستان موسیقی تبریز رفت و به مدت ۵ سال تحت نظر، استاد استپان سانوسیان به فراگیری ویلن پرداخت. فخیمی کیا در سال ۱۳۴۷ به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد. او در سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ در کنسرواتوار تهران از مهندس واهیک خوجایان و سراج مانوکیان در رشته ویلن و از یوسف یوسف زاده، در مورد هارمونی و سلفژ بهره برد. سپس به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت. فخیمی کیا از اعضای ارکسترهایی چون: ارکستر رودکی، ارکستر باربد، ارکستر شماره دو وزارت فرهنگ و هنر بوده است. او مدتها ریاست دانشسرای هنر استان گوردستان را به عهده داشت.

فدای حسینی، فیروز [Firuz Fadāye-Hoseyni]: فیروز فدای حسینی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در آذر شهر بدنیا آمد. او تحصیلات متوسطه خود را در تبریز بپایان برد و در سال ۱۳۵۱ همکاری خود را با سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران آغاز نمود. او در سال ۵۶ وارد دانشکده رادیو تلویزیون شد و در سال ۵۹ از آن دانشکده در رشته صدا برداری فارغ التحصیل گردید. او در حال حاضر مسئول ضبط و صدا برداری آگهی های رادیو تلویزیونی است.

فدائی [Fadāi]: از صدا برداران با تجربه که در تهران فعالیت دارد.

فدائیان، حسن [Hasam Fadāiyān]: از خوانندگان مشهور پس از انقلاب و همدوره با محمد گل ریز و بهرام گودرزی.

فدایی شیرازی [Fadāi Širāzi]: فدایی شیرازی از شاعران عهد شاه اسماعیل در سده نهم هجری است. فدایی در شیراز بدنیا آمد. وفات این شاعر در سال ۹۲۷ هجری اتفاق افتاده است.

فدرا، موزیک [Musike Fedrá]: کانون هنری که در تهران قرار دارد.

فراز [Faráz]: از گوشه های دستگاه راست پنجگاه.

فراز [Faráz]: ترانه سرا و خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: شب چراغ با ۶ ترانه: بازتاب یک فصل، قراردل، مرثیه سوزان، بیا شادا، پرسش و پاسخ و شب چراغ در دسترس می باشد.

فراز مندیان، خوشبخت [Xoşbaxt Faráz Mandiyân]: نوازنده چیره دست تنبور که در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. او ابتداء ویلن می نواخت ولی روی به تنبور نمود و از محضر سید امراله شاه ابراهیمی فیض برد. پس از نقل مکان به تهران، مدت دو سال نزد استاد عبادی به نواختن سه تار اشتغال ورزید. فراز مندیان علاوه بر نوازندگی، از سازندگان مشهور تار، سه تار و تنبور است.

فراصوتی [Faràsowti] مبحث فراصوتی (ultra Sonics): به بررسی امواج صوتی و امواج هم جنس آن می پردازد، اما با فرکانس بالاتر از امواج شنیدنی.

فراغی [Farāqi]: از آوازهای فریادی دز موسیقی کاشمر. جهت آگاهی بیشتر به کاشمر، موسیقی نگاه کنید. فراغ به معنی تهی شدن میباشد.

فراق [Farāq]: نغمه ای در دستگاه ماهور.

فراالوی [Farálávi]: ابو عبدالله بن موسی فراالوی از شعرای عهد سامانی است. او همدوره با شهید، شاعر معروف آن دوره است.

فرامرز [Farāmarz]: از چنگی های ایل قشقائی است. لطفاً برای آگاهی بیشتر به قشقائی، موسیقی نگاه کنید.

فرانک [Farānak]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: افسانه ساز قصه ها در دسترس میباشد.

فرانوس [Farānus]: خواننده پیش از انقلاب در تهران که از او ترانه گریه در دسترس میباشد.

فراهانی، رضا [Rezā Farāhāni]: نوازنده زبردست تار در گروه موسیقی مشتاق تهران.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zāle)

فراهانی عبادی، حاجیه ملوک [Hājye-mluk Farāhāni Ebādi]: ملوک عبادی دختر کوچک استاد میرزا عبدالله است.

ملوک عبادی استاد و نوازنده تار، همسر هنرمند گرانقدر عنایت‌اله خان شیبانی و مادر هنرمند شایسته استاد جمشید شیبانی است که آموزش استاد عبادی و استاد ابوالحسن صبا را به عهده داشتند.

فراهانی، علی اکبر [Ali-Akbar Farāhāni]: استاد مسلم تار در زمان ناصرالدین شاه. زادگاه این هنرمند، فراهان از توابع فرمیهن شهرستان اراک است که تولد مردانی بزرگ نظیر: امیر کبیر، میرزا بزرگ فراهانی و قائم مقام است. علی اکبر فراهانی، موسیقی را نزد پدرش، شاه ولی فرا میگیرد. علی اکبر فراهانی جد پدری حاج علی اکبر خان شهنازی است. علی اکبر خان فراهانی طبع شعر سرودن نیز داشته است.

استاد فراهانی بین سالهای ۱۲۳۵ تا ۱۲۳۸ بدرود زندگی گفته است. او به هنگام وفات کمتر از ۴۰ سال داشت. تاری که او می نواخت بنام قلندر معروف بود که از سرنوشت این تار نیز اطلاعی در دست نیست.

فرجاد، بیژن [Bijan Farjād]: نوازنده چیره دست ویلن و پیانو و فرزند هنرمند گرانقدر فرید فرجاد و گیتی آجودانی، پیانیست مشهور است.

فرجاد، فرید [Farid Farjād]: فرید فرجاد آزاد، آهنگساز و نوازنده چیره دست ویلن و همدوره با احمد رحمانی پور. حسن منوچهری، حسن هادی پور، هوشنگ ظریف، محمد ظریف، نصرت‌اله گلپایگانی، پروین سرلک، انوشیروان روحانی و علیرضا ایزدی و از فارغ‌التحصیلان دوره عالی هنرستان موسیقی ملی در زمان استاد روح‌اله خالقی می باشد.

از فرید فرجاد که در حال حاضر در لس آنجلس است، آهنگهای بسیاری که بیشتر آنها را خواننده خوش صدا مقیم لس آنجلس، شهلا سرشار اجرا کرده است در دسترس می باشد. تکنوازی ویلن این هنرمند گرانقدر در آلبوم های: آن روزها ضبط و انتشار یافته است.

فرج اله [Faraj-ollāh]: صنعت گر ماهر که در ساختن تار، سه تار و کمانچه مهارت بسیار داشته است. او در اواخر دوران قاجار میزیسته و تارهای معروف یحیی، از کار این استاد تقلید شده است. کارگاه استاد فرج اله در دارالصنایع بوده است.

فرح [Farah]: یکی از سی دو دستگاه موسیقی که توسط صفی الدین ارموی شرح داده شده است. فرح از گوشه های دستگاه همایون است.



فرح، اردشیر [Ardešir Farah]: اردشیر فرح در خیابان ظهیرالاسلام شاه آباد تهران چشم به جهان گشود.

سبک اردشیر و استرانس را که از سال ۱۹۸۰ تا امروز، بیش از بیست گروه موسیقی دنبال کرده اند که از (Xayyam) خیام X,x غرق (Qarq) Q,q جمع (Jamw) W,w J,j سرکش (Sarkes) S,s K,k A,a آد (Adam) A,a Z,z و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وجدان O,o V,v حوب (Cub) U,u C,c Zale (Zale) Z,z

معروفترین آنها میتوان به گروه جیسی کینگ اشاره داشت. ساز تخصصی اردشیر فرح گیتار کلاسیک است. اردشیر فرح در تمام مصاحبه های بین المللی به ایرانی بودن خود افتخار می کند.

فرح انگیز [Farah-angiz]: از گوشه های بیات اصفهان و همایون است.

فرح انگیز [Farah-angiz]: فرح انگیز (ایران مطبوعی) از خوانندگان قدیمی و همدوره با قمرالملوک وزیری و ملوک ضربابی است.

از این خواننده صفحاتی توسط کمپانی کلمبیا ضبط و وجود دارد. ترانه: مرغ حق در مایه ابوعطا و تصنیف لالائی این خواننده خاطره انگیز است. فرح انگیز اغلب با هنرمندانی چون؛ زنده یاد ابوالحسن صبا (ویلن) روح افزا (تار) و مشیر همایون شهردار (پیانو) همکاری داشت.

فرح فزا [Farah-fazā]: از مقام های معمول در موسیقی عرب که از موسیقی ایران گرفته شده است.

فرح ناک [Farah-nāk]: از مقام های موسیقی عرب که از موسیقی ایران گرفته شده است.

فرخ [Farrox]: خواننده صاحب سبک و فعال در لس آنجلس که از او آلبومهای: کوچ، برگ گل، گیس گلابتون، گلی جون و نون قندی در دسترس میباشد.

فرخجسته [farexojaste]: مطرب و سازنده، در لغت به معنی مبارک و میمون است.

فرخ روز [Farrox-ruz]: نام پرده ای از موسیقی عهد ساسانیان. لحن ۲۷ از سی لحن بارید.

فرخ زاد، پوران [Porān Farrox-zād]: تهیه کننده برنامه های موسیقی در رادیو اف ام در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ خورشیدی در تهران.

فرخ زاد، فروغ [Forug Farrox-zād]: فروغ فرخ زاد، شاعره بزرگ در دیماه ۱۳۱۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. دوازده سال پیش از مرگش، اولین شعرش را سرود که بدنبال آن جنجالی بزرگ آفرید. تمام اشعار فروغ در سه دیوان دوره اول او یعنی؛ اسیر، دیوار و عصیان در مدت ۷ سال شاعری او از سال ۱۳۳۲

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن Iran ایران I,i Vojdan وحدان V,v O,o Cub چوب C,c U,u Z,z زاده (Zāle)

تا ۱۳۳۹ شامل چهارده واژه است که در حقیقت کلیه شعر اوست. در دوره دوم شعر او از سال ۳۹ تا ۴۵ شاهد؛ تولدی دیگر و ایمان بیآوریم هستیم که فروغ را بعنوان شاعری صاحب سبک، جهانی می کند. فروغ زبان فرانسه، ایتالیائی و آلمانی را بخوبی می دانست. او در امر فیلمسازی هم تجاربی آموخت و در سال ۱۳۴۱ فیلم درخشان «این خانه سیاه است» را ساخت. این فیلم در سال ۱۳۴۲ جایزه بهترین فیلم مستند جهانی، او برهزون آلمان را بُرد. از اشعار فروغ در زمینه موسیقی استفاده های بسیاری شده است. «ای شب از رویای تورنگین شده» ترانه ای است از سروده های فروغ و با صدای محمد نوری که آهنگ آنرا محمد سریر ساخته است. فروغ فرخزاد در سال ۱۳۴۵ خورشیدی بر اثر تصادف چشم از جهان فرو بست.

فرخ زاد، فریدون [Fereydun Farrox-zād]: زنده یاد فریدون فروخ زاد؛

خواننده، ترانه سرا، آهنگساز و شومن معروف و جنجالی ایران که بخاطر مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی و ایران دوستی و ایران خواهی توسط تروریست های دولتی به قتل رسید، از جمله هنرمندانی است که همواره در راهی غیر معمول از آنچه دیگران می پیمایند، قدم برمیداشت. فریدون فرخ زاد در جوانی، سالها با خواهرش فروغ در مونیخ آلمان زندگی میکرد. او پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت و در استودیو پلازا به زنده یاد پرویز خطیبی که در آن موقع فیلم جنجال پول را میساخت (سال ۱۳۴۷ خورشیدی) درخواست بازی در فیلم را نمود. اولین ترانه ای که فرخ زاد اجرا کرد. ترانه ماندگار: شب بود بیابان بود، بود که او با این ترانه به شهرت رسید. یکماه پس از پخش این ترانه، او برنامه ای در تلویزیون ملی ایران داشت بنام: دو ساعت با فریدون فرخ زاد. تلویزیون با بهانه بدهی مالی برنامه او را قطع کرد در حالیکه دلیل اصلی قطع برنامه، بوسیدن دست خانم سوسن بود. در سال ۱۳۵۰، فریدون فرخ زاد تن به تجربه سینمایی داد و در فیلمی بنام: دلهای بی آرام با ایرج قادری و شهلا همبازی گردید. از ترانه های ماندگار این هنرمند ارزشمند و ایران دوست میتوان به: سلام، آبشار، پیچک، خاکستر، آوازه خوان نه آواز، دستهام دستهام، میگریزی، بی تو هیچم، بی تو پوچم، اسب، آشیانه، درروا نمی کنم، ای شرقی غمگین، سنگ دل، من چه هستم، بخوان، بخوان، اومدی - اومدی و تک اشاره داشت. فریدون فرخ زاد تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی پایان برده بود.

فرخ کیش، شهرزاد [Šahrzād Farrox-kiš]: شهرزاد فرخ کیش در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در شهر سنندج بدنیا آمد.

شهرزاد از ۶ سالگی با صدای ساز ویلن پدرش؛ محمد فرخ کیش، آشنا شد. او بعدها از دانشگاه تهران موفق به اخذ لیسانس در رشته کامپیوتر گردید. پس از ازدواج در سال ۱۳۵۴ به اصفهان رفت و در آن شهر تحت نظر علی اصغر شاه زیدی و علیرضا افتخاری مشغول فراگیری و تمرین ردیف و گوشه های موسیقی ایرانی گردید. پس از نقل مکان به تهران، مدت هشت سال نزد زنده یاد محمودی خوانساری به آموختن آواز پرداخت. شهرزاد فرخ کیش در حال حاضر به تدریس موسیقی آوازی می پردازد.

فرخ کیش، محمد [Mohammad Farrox-kiš]: نوازنده چیره دست ویلن و آشنا به ردیف های موسیقی ایرانی در سنندج، در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی. محمد فرخ کیش، پدر هنرمند گرانقدر شهرزاد فرخ کیش است.

محمد فرخ کیش از فارغ التحصیلان دوره سوم مدرسه موزیک بود که با مصیب رضوانی، ضیاء مختاری و حسن رادمرد هم دوره بود.

فرخنده [Farxonde]: فرخنده خانم، خواهر استاد مشیر همایون شهردار، از استاد های بنام پیانو بود که شاگردان برجسته ای را تعلیم داد، از آن جمله: مرتضی خان محجوبی و آقا بزرگ خان، سرهنگ موزیک قزاق خانه که معلم مشیر معلم شهردار بود.

فرخی سیستانی [Farroxi Sistāni]: ابوالحسن علی بن جولوغ فرخی سیستانی، شاعر بزرگ اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم است. زادگاه او سیستان بوده است. او در جوانی در شاعری شهرت یافت. او سالها در بارگاه سلطان محمود غزنوی و سلطان مسعود بود و دوران زندگی او در عهد سلطان مسعود پایان رسید. فرخی از بهترین شاعران قصیده سرای ایران است. وفات این شاعر در سال ۴۲۹ هجری اتفاق افتاده است.

فرخی یزدی، محمد [Mohammad Farroxi Yazdi]: میرزا محمد فرخی یزدی در سال ۱۳۰۲ هجری در شهر یزد بدنیا آمد. استعداد شاعری فرخی از پشت نیمکت مدرسه آغاز شد. در ۱۵ سالگی بخاطر اشعاری که سروده بود از مدرسه اخراج شد. مدتها کارگری کرد و پس از پیدایش مشروطیت به گروه آزادیخواهان پیوست. در نوروز ۱۲۸۹ که ضیغم الدوله قشقائی حاکم یزد بود، شعری ساخت و آنرا در مجمع حزب دمکرات خواند. خبر آن بگوش حاکم رسید. و او دستور داد تا لبان فرخی را با نخ و سوزن

آ, a A, a آدم (Ādam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkēs) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i و حدان (Vojdān) O, o V, v و حدان (Cub) C, c U, u چوب (Zāle) Z, z زاله

دوختند و او را به زندان انداختند. فرخی پس از ۲ ماه از زندان گریخت و به تهران آمد. فرخی شاعر ملی و آزاده بزرگ ایران، در ۲۴ مهرماه ۱۳۱۸ در بیمارستان زندان درگذشت.

فردمنش - مسعود [Maswud Fardmanesh]: مسعود فردمنش شاعر و ترانه سرای سرشناس و ساکن لس آنجلس در اسفند ماه ۱۳۲۸ خورشیدی در جنوب تهران بدنیا آمد، او سالهاست که با خوانندگان مشهور خارج از کشور همکاری نزدیکی دارد. مسعود فردمنش، مبتکر اثری بنام: حکایت است که چند شماره آن اجراء و پخش شده است.

فرد میرزا [Fard Mirza]: آهنگساز و تنظیم کننده ساکن کالیفرنیا که همکاری نزدیکی با منصور خواننده خوش صدا دارد.

فرد نوا [Fard-navā]: کسیکه بدون احتیاج به خواننده می نوازد، (ساز تنها)

فردوس [Ferdows]: خواننده قدیمی که در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند.

فردوس، محمد [Mohammad Ferdows]: از خوانندگان مشهور بوشهر که در سال ۱۳۲۵ در منطقه دشتی بوشهر بدنیا آمده است. او سالهاست که در برازجان زندگی می کند. او بالغ بر سی سال است که بخواندن شروه، مدح و نوحه اشتغال دارد. او در شروه خوانی به شیوه شبانکاره دشتستانی می پردازد.

تسلط این خواننده علاوه بر شروه خوانی، در بیت غرا، جنگ نامه و چاووشی میباشد.

فردوسی [Ferdowsi]: استاد ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ حماسه سرای ایران و یکی از گویندگان مشهور عالم و از مفاخر نام دار ایران است. نام پدرش منصور بن حسن است. او در قریه باژ از ناحیه طایران طوس در سال ۳۲۹ هجری دیده به جهان گشود. او در ۷۶ سالگی، ۳۵ سال برای شاهنامه کار کرده بود. فردوسی در خانواده ای ثروتمند بدنیا آمد ولی بخاطر نوشتن شاهنامه، ثروت خود را از دست داد و در پیری تهیدست و بی چیز شد. فردوسی، مردی وطن پرست و در میهن پرستی استوار بود. او از تاریخ نیاکان خود با اطلاع بود و به دانستن آنها شوق و علاقه خاصی داشت. فردوسی، در زمان قتل دقیقی (۳۶۷ هجری)، به نظم داستانهای مشغول بوده که از آنها، داستان بیژن و گرازان از همه مشهور تر است. از کارهای ابتدائی فردوسی، نوشتن داستان منیژه و بیژن است.

شروع نظم شاهنامه بنظر میرسد از سال ۳۷۱ باشد و پایان آن سال ۴۰۰ هجری است. البته فردوسی در

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zale)

سال ۴۰۲ آخرین تجدید نظر خود را کرده است. فردوسی در سالهای ۳۹۴ و ۳۹۵ به اوج فقر و تهیدستی رسید. در این سالها، میان او و دربار سلطان محمود رابطه‌ای پدید آمد. فردوسی پس از ختم شاهنامه، آنرا از طوس به غزنین برد و به محمود تقدیم کرد. محمود غزنوی برخلاف وعده که گفته بود در برابر هر بیت یک دینار به فردوسی می‌دهد. به جای دینار به او درهم داد و این عمل باعث خشم فردوسی شد و او درهم‌ها را به متصدی حمامی بخشید. فردوسی همواره با سلطان محمود، اختلاف عقیده بر سر مسائل نژادی و ملی داشت. فردوسی، ایرانی وطن پرستی بود که در شاهنامه از دشمنان ایران، یعنی عربها و ترکان، به بدی یاد میکرد و این امر باعث کدورت خاطر پادشاه تازی زده و اجنبی ایران که به افتخارات عرب دلخوش بود، شده بود. محمود غزنوی، بعدها قصد جان فردوسی را کرد و فردوسی از غزنین گریخت. فردوسی در سالهای آخر عمر تجدید نظری بر شاهنامه نمود. سال وفات فردوسی ۴۱۱ هجری است. پس از مرگ فردوسی، از دفن جنازه او بخاطر ملی گرائی اش در قبرستان مسلمین جلوگیری بعمل آمد و او را در باغی که ملک خودش بود دفن کردند.

فردوسی، تاتر [Teatre Ferdowsi]: به مدیریت آقای نوشین که در سال ۱۳۲۲ خورشیدی تأسیس شد. تاتر فردوسی مکانی بود برای عرضه هنر هنرمندان تاتر و خوانندگان آن روز. این تاتر اولین تاتری بود که در کوچه ملی لاله زار افتتاح شد. بعدها این تاتر به زنده یاد تفکری فروخته شد و او اسم خودش را روی این تاتر گذاشت. قاسم جبلی خواننده مشهور قدیمی با این تاتر همکاری نزدیکی داشت. پیس؛ شبی در بغداد با شرکت این هنرمند بیاد ماندنی است.

فرزان [Farzân]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: لحظه‌ها با ۶ ترانه از سروده‌های هما میرافشار و آهنگها از جهان بخش پازوکی در دسترس میباشد.

فرزان، سلیم [Salim Farzân]: (سلیمی تبار) نوازنده چیره دست قره‌نی که سالها با ارکستر برادران وفادار همکاری می‌کرد. او از سازندگان آهنگ برای برنامه گلهای رادیو ایران بود. فرزان سلیم در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در گذر تقی خان تهران بدنیا آمد. در کودکی با تهیه ویلن به کلاس استادی بنام پرورش که در خیابان امیریه واقع بود رفت. او ۵ سال در این کلاس به فراگیری موسیقی پرداخت. او بعد از ویلن به قره‌نی روی آورد و نزد معلمی بنام ابوالقاسم خان نواختن این ساز را آموخت. سلیم فرزان بمدت ۱۹ سال در استخدام ارتش بود و در قسمت موزیک آن فعالیت داشت. او در سال ۱۳۲۲ توسط مجید وفادار به رادیو راه یافت. او ۳۳ سال در رادیو خدمت کرد، و بیشتر از ۶۰ آهنگ

آ, a آدم (Ādam) S, s سرکش (Sarkes) J, j جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x خیام (Xayyam)
Z, z زاله (Zāle) C, c چوب (Cub) V, v وحدان (Vokdan) I, i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

ساخت. سلیم فرزانه در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد.

فرزانه [Farzâne]: خواننده قدیمی پیش از انقلاب و همدوره با بیتا، رویا و ناهید که در حال حاضر در لس آنجلس بسر میبرد. از این خواننده در سال ۱۹۹۸ آلبومی بنام: بشکن بشکن با هفت ترانه توسط کمپانی ترانه ضبط و پخش گردید.

فرزانه، فریدون [Fereydun Farzâne]: فریدون فرزانه موسیقیدان مشهور معاصر در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در تهران دنیا آمد در ۵ سالگی به اروپا رفت و تحصیلات موسیقی را در آلمان - اتریش، سوئیس و بلژیک در رشته آهنگسازی و پیانو به پایان برد. او در سال ۱۳۱۵ به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی به تدریس پیانو و سلفژ پرداخت. او زمانی هم، معاون فنی مین باشیان بود. فریدون فرزانه، از اعضای صدا خانه ملی ایران در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بود. او سالها در هنرستان موسیقی ملی در زمان ریاست محمد علی امیر جاهد به آموزش هنرجویان اشتغال داشت. از این هنرمند ساخته های چندی در دسترس میباشد.

فرزانه، محسن [Mohsen Farzâne]: از دانشجویان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی در رشته کارشناسی، دوره هفتم که با اعلام ترک تحصیل فوق دیپلم شناخته شده است.

فرزانه، نصرت [Nosrat Farzâne]: ترانه سرای جدیدی است که ترانه های آلبوم جدید گوگوش را که پس از ۲۰ سال سکوت، عرضه شده، سروده است. آلبوم جدید گوگوش «زرتشت» نام دارد.

فرزانه، هادی [Hâdi Farzâne]: از خوانندگان پیش از انقلاب که سالها نزد زنده یاد استاد سلیمان امیرقاسمی موسیقی و آواز را فرا گرفت.

هادی فرزانه، همدوره با امیر عسگری، اخلاقی و سامانی پور است که تمامی آنها از شاگردان سلیمان امیر قاسمی هستند.

فرزین [Farzin]: زنده یاد فرزین خواننده مشهور پیش از انقلاب که پس از تغییر رژیم سالها در اروپا اقامت و فعالیت داشت. فعالیت هنری او بیشتر در کلن و بن متمرکز بود، ولی او همواره خواهان آمدن به آمریکا بود، چون هنرش را با برخورداری از آهنگهای هنرمند توانای ایران جهان بخش پازوکی و منوچهر چشم آذر تکمیل میدید. او مدتی به آمریکا آمد ولی باز به آلمان بازگشت.

آخرین کنسرت این هنرمند بنا بود به اتفاق نوش آفرین، ایرج مهدیان و نادیا در شهر اورتموند باشد که به

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الضای) نوبن برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) O,o V,v Cوب (Cub) U,u Z,z زانه (Zale)

اجرای آن موفق نشد و در روز پنجشنبه ۶ شهریور ۱۳۷۸ در آپارتمان خود در شهر رُبِن در تنهائی مرد. فرزین، دائی، هنرمند جوان ساکن لس آنجلس، مهرداد آسمانی است. از فرزین ترانه های زیادی بجا مانده است از آن جمله: عشق من، نازگل، صیاد آرزوها، گریه نکن، بهار ایران، قهر و ناز، چنگ، دخترها پسرها، بی رخ تو، همزبون، نگو دیره، پرسپولیس خسته، گریه نکن، رطب و... فرس [Faras]: خرک بزرگ در ساز قانون را گویند.

فرشاد [Farsād]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: تو با هشت ترانه: همبازی، روزگار، شکوفه، بارون بارونه، تویی، نازی جون، شبخ و عاشق در دسترس میباشد.

فرشاد، ابوالقاسم [Abolqāsem Farsād]: پدر استاد حسن فرشاد و نوازنده مشهور تار که در موزیک ارتش خدمت میکرد.

فرشاد، دکتر حسن [Doktor Hasan Farsād]: دکتر حسن فرشاد در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدرش ابوالقاسم خان، نوازنده زبردست تار بود که در رشته موزیک ارتش خدمت میکرد. او خاله ای داشت بنام لیلی خانم که در آواز خواندن و نواختن کمانچه وارد بود و او حسن فرشاد را تعلیم داد.

حسن فرشاد در سن ۱۱ سالگی، نزد معزالدين خان امامی پدر استاد حسین دهلوی به مشق ویلن مشغول شد. او سپس به کلاس استاد رضا محجوبی در سر پل امیر بهادر رفت و چهار سال از مکتب رضا محجوبی بهره برد. او مدتی نیز نزد استوار هنگ آفرین برادر حسین خان هنگ آفرین، فراگیری ویلن را دنبال کرد، و در سال ۱۳۲۰ به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت.

دکتر حسن فرشاد، لیسانس حقوق خود را از دانشکده حقوق و علوم سیاسی، لیسانس ادبیات را از دانشکده ادبیات و دکتری خود را از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و تخصص پاتولوژی را از پاریس دریافت کرد.

دکتر فرشاد، از سال ۱۳۵۲ تدریس در هنرکده موسیقی ملی را آغاز و پس از علی رهبری، از سال ۱۳۵۵ به ریاست هنرستان و هنرکده موسیقی ملی منصوب شد.

فرشته [Ferešte]: فرشته خواننده قدیمی و مشهور، کار خواندن را از نوجوانی با خواندن ترانه های دلکش آغاز نمود. بعدها به هنرستان عالی موسیقی رفت و تحت نظر استاد کریمی به فراگیری ردیف ها و سلفژ پرداخت، همزمان نزد استاد مرتضی حنانه نیز به فراگیری موسیقی مبادرت ورزید.

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) V,v O,o و جوب (Cub) C,c U,u و زاله (Zāle) Z,z

با راهنمایی استاد علی تجویدی به رادیو ایران رفت و در آزمون صدا که توسط استاد مشیر همایون شهردار بعمل آمد، موفق شد. ترانه‌ای که در آزمون آن روز اجرا کرد، بدرقه نام داشت که قبلاً خانم دلکش آنرا خوانده بود. فرشته، کار رسمی خوانندگی را نزد بزرگ لشگری آغاز نمود. اولین ترانه او «نم بارون» بود که جزو ترانه های ماندگار و جاویدان موسیقی معاصر ایران است.

از ترانه های ماندگار دیگر فرشته میتوان به: شهر خالی، حدیث عشق، ای مرد و از آلبوم های او اشاره به: گل خورشید، رد پای عشق و قرن تازه ضروری است. فرشته در حال حاضر در آلمان زندگی می کند.

فرشچی، سید رضا [Seyyed Rezā Faršci]: از خوانندگان قدیمی و مشهور همدان و همدوره با آباذری و سید رضا عطار، این خواننده همکاری نزدیکی با استاد عبدالله طالع همدانی، شاعر ملی قوم یهود داشت.

فرشید [Faršid]: از خوانندگان پیش از انقلاب و همدوره و هم سبک با؛ جمشید نجفی، ایرج مهدیان، گیتا و صمدنوریان.

فرشید [Faršid]: آهنگساز و تنظیم کننده ساکن لس آنجلس که همکاری نزدیکی با خوانندگان جوان این شهر. دارد از نمونه کارهای او میتوان به: تنظیم آهنگ خوابهای خیالی و دیروز با صدای پیروز اشاره داشت.

فرشید، رضا [Rezā Faršid]: از صدا برداران و صدا گذاران شاغل در تهران.

فرصت، پرویز [Parviz Forsat]: نوازنده چیره دست عود در تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

پرویز فرصت در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در شهرستان شاهی مازندران بدنیا آمد. او ابتداء تارنوازی را آموخت و سپس به فراگیری فلوت پرداخت. گرایش او به عود بخاطر سفر احمد عبدالوهاب هنرمند بزرگ مصری در سال ۱۳۳۰ به ایران بود و پرویز فرصت عود نوازی را از او آموخت.

فرصت، سیروس [Sirus Forsat]: سیروس فرصت نوازنده زیردست فلوت در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در بندر پهلوی بدنیا آمد. جد بزرگ او فرصت الدوله شیرازی نویسنده کتاب بحورالاحان در موسیقی است. در ۱۱ سالگی همراه با خانواده اش به تهران آمد و در دوران دبستان و دبیرستان فلوت میزد. در ۱۹ سالگی به زنده یاد اسماعیل مهرتاش معرفی شد و مهرتاش او را با ماهی سی تومان جهت

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdān) وحدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u (Zāle) زاله Z,z

آدم (Adam) A,a A,a جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

سرکش (Sarkes) J,i W,w (Sarkes) سرکش S,s K,k S,s (Zāle) زاله Z,z

همکاری با ارکستر جامعه بارید استخدام کرد و همکاری خود را با هنرمندانی چون، ملوک ضربابی، ملکه حکمت شعار و عبدالوهاب شهیدی آغاز نمود. او سالها از همکاران نزدیک: عباس شاپوری، مهدی خالدی و مجید وفادار بود.

سیروس فرصت در حال حاضر دوران بازنشستگی خود را از سازمان جنگلها و مراتع کشور میگذراند.

فرصت شیرازی، میرزا نصیر [Mirzà Nasir Forsat Širāzi]: (۱۲۷۱ - ۱۳۳۹ هجری قمری) فرصت شیرازی مردی ادیب و در عین حال هنرمندی بزرگ بود و در فنون مختلف نظیر نقاشی، دستی توانا داشت. بخاطر علاقه فراوان به موسیقی کتابی تحت عنوان بحورالالحن نوشت که ضمن آن تحلیلی پیرامون موسیقی و نسبت آن با عروض یا رابطه شعر و موسیقی از نظر ریتم انجام گرفته و در این کتاب به پیروی از قدما نظیر عبدالقادر مراغه ای و صفی الدین، پایه های موسیقی ایرانی را براساس ۱۲ مقام و ۶ آواز الحاقی ذکر میکند که که بعدها این تقسیم بندی تا ۷ دستگاه تقلیل می یابد. کتاب مذکور در سال ۱۲۹۳ یعنی پس از ده سال که از نوشتن آن گذشته بود در بمبئی هندوستان چاپ شد. اسامی هفت دستگاه به ترتیبی که معین کرده اند چنین است:

راست و پنجگاه، چهارگاه، سه گاه، همایون، نوا، ماهور و شور.

فرع [Farw]: وزنی است که سه ضرب سنگین و سه ضرب سبک دارد.

فرع ماهور [Farwe Māhur]: از مقامات فرعی در موسیقی قدیم ایران.

فرغانه [Farqāne]: نام شعبه ای از موسیقی قدیم ایران که آنرا نهاوندک می خواندند. هم چنین گوشه ای است از شعبه دوگاه.

فرقتی جوشقانی [Farqati Jušqāni]: میرزا ابوتراب بیگ فرقتی، در جوشقان انجمن بدنیا آمد ولی رشد و تربیت او در کاشان بود. از دیوان فرقتی نسخه هائی در کتابخانه ملی پاریس به شماره **supp 1765** و کتابخانه موزه بریتانیا به شماره **or. 3667** وجود دارد. وفات فرقتی بر اثر استعمال بیش از حد مواد مخدر (فلونیا) در چهار شعبان ۱۰۲۵ هجری اتفاق افتاد.

فرقدی [Farqadi]: محمدبن عمر فرقدی از شاعران بزرگ خراسان در سده ششم است. او معاصر سلطان محمد بن سام غوری است.

فرکانس [Frekans]: تعداد نوسان های کامل (ارتعاش) را در واحد زمان (ثانیه) گویند. واحد فرکانس، هرتز است که آنرا به اختصار HZ نشان میدهند. فرهنگستان لغت ایران بجای فرکانس کلمه بسامد را انتخاب کرده است.

فرکانس نت های موسیقی طبق استاندارد بشرح زیر است:

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	-۱	-۲	
۴۰۹۶	۲۰۴۸	۱۰۲۴	۵۱۲	۲۵۶	۱۲۸	۶۴	۳۲	۱۶	Do
۴۳۵۲	۲۱۷۶	۱۰۸۸	۵۴۴	۲۷۲	۱۳۶	۶۸	۳۴	۱۷	Do#
۴۶۰۸	۲۳۰۴	۱۱۵۲	۵۷۶	۲۸۸	۱۴۴	۷۲	۳۶	۱۸	Re
۴۸۶۴	۲۴۳۲	۱۲۱۶	۶۰۸	۳۰۴	۱۵۲	۷۶	۳۸	۱۹	Re#
۵۱۲۰	۲۵۶۰	۱۲۸۰	۶۴۰	۳۲۰	۱۶۰	۸۰	۴۰	۲۰	Mi
۵۳۷۶	۲۶۸۸	۱۳۴۴	۶۷۲	۳۳۶	۱۶۸	۸۴	۴۲	۲۱	Fa
۵۶۳۲	۲۸۱۶	۱۴۰۸	۷۰۴	۳۵۲	۱۷۶	۸۸	۴۴	۲۲	Fa#
۵۸۸۸	۲۹۴۴	۱۴۷۲	۷۳۶	۳۶۸	۱۸۴	۹۲	۴۶	۲۳	Sol
۶۱۴۴	۳۰۷۲	۱۵۳۶	۷۶۸	۳۸۴	۱۹۲	۹۶	۴۸	۲۴	Sol#
۶۴۰۰	۳۲۰۰	۱۶۰۰	۸۰۰	۴۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۵	La
۶۶۵۶	۳۳۲۸	۱۶۶۴	۸۳۲	۴۱۶	۲۰۸	۱۰۴	۵۲	۲۶	La#
۶۹۱۲	۳۴۵۶	۱۷۲۸	۸۶۴	۴۳۲	۲۱۶	۱۰۸	۵۴	۲۷	Si
۷۱۶۸	۳۵۸۴	۱۷۹۲	۸۹۶	۴۴۸	۲۲۴	۱۱۲	۵۶	۲۸	Do

فرمانی، چنگیز [Cangiz Farmani]: نوازنده و سازنده قدیمی تنبور در گوران کرمانشاهان است.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

فرم موسیقی [Forme Musiqi]: صورت بندی بنای قطعات موسیقی و در برگیرنده ملودی های آوازی، قالب های میزان و ریتم، هارمونی و دیگر عوامل سازنده الگوی ساختمانی یک اثر موسیقائی میباشد.

عوامل تکرار و تنوع و وحدت را میتوان از عناصر تشکیل فرم دانست.

فرمند، رضا [Rezā Farmand]: از شعرای معاصر ساکن سوئد که از او کتاب شب های سفید در سال ۱۹۹۹ میلادی چاپ و منتشر شده است.

فرنام، محمود [Mahmud Farnām]: زنده یاد فرنام، نوازنده چیره دست دف در موسیقی اصیل آذربایجانی است. او همکاری نزدیکی با ابوالحسن خان اقبال آذر (اقبال السلطنه) داشت.

فرنگ [Farang]: نام گوشه ای در دستگاه های همایون و راست پنجگاه.



فرنگ شتر [Farange Šotor]: یکی از گوشه های دستگاه سه گاه.

فرنوش [Farnuš]: خواننده جوان ساکن شرق آمریکا که از فعالیت خوبی برخوردار است. فرنوش ساکن ویرجینیا میباشد.

فروتن، حسن [Hasan Frutan]: حسن آقا سلمانی، معروف به حسن آقا فروتن از نوازندگان مشهور تار در عهد قاجاریه است.

فروتن راد، احمد [Ahmad Frutan-rād]: زنده یاد احمد فروتن راد موسیقیدان و نوازنده مشهور ویلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی است. او سالها رهبری ارکستر شماره ۲ هنرهای زیبا را

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکنش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وجدان (Vojdān) O,o V,v جوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

بعهده داشت. احمد فروتن راد از شاگردان مدرسه موزیک بود و تالیفاتی از او بجا مانده است. او در زمان ریاست محمد علی امیر جاهد در هنرستان موسیقی ملی به تدریس اشتغال داشت. علاوه بر تدریس در هنرستان موسیقی، او سالها با سمت استادی در هنرستان عالی موسیقی تهران به آموزش هنرجویان اشتغال داشت.

فروتن، کورش [Kuroš Frutan]: نوازنده گیتار و از همکاران نزدیک زنده یاد فریدون فرخ زاد که اینک در آمریکا زندگی می کند و هیچ فعالیت هنری از او مشاهده نمی شود.

فروتن، نیره [Nayyere Frutan]: ترانه سرای معروف ساکن لس آنجلس. نیره فروتن همسر هنرمند با ارزش و گرانقدر جهان بخش پازوکی میباشند.

فروتن، یوسف [Yusef Frutan]: زنده یاد استاد یوسف فروتن موسیقیدان و نوازنده مشهور در سال ۱۲۷۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او مدتی سه تار را نزد استاد آقامیرزا عبدالله آموخت و تار را پیش آقا حسین قلی. او از اعضای ارکستر انجمن موسیقی ملی در زمان استاد علی نقی وزیری بود. استاد یوسف فروتن در نواختن سه تار، تار، پیانو و ویلن تبحری بسیار داشت. او سالها در وزارت گمرک و دارائی شاغل بود. دوره های آوازی موسیقی اصیل ایرانی و ردیف و گوشه های آن توسط این هنرمند با سه تار نواخته شده و موجود است. استاد فروتن در سال ۱۳۵۷ چشم از جهان فرو بست.

فرو د [Forud]: نغمه یا نغماتی هستند که برای پایان گوشه ها و جملات آهنگ اجرا میشوند. فرو د در اصل وظیفه آنرا دارد که فضای تنال دستگاه را در توالی گوشه ها به تدریج گسترش داده، به فضای تنال اصلی دستگاه رجعت دهد.

فرو داشت [Foru-dāst]: ختم کردن و به آخر رسانیدن خوانندگی و نوازندگی.

فرو د بریده [Forude boride]: نوعی فرو د که شنونده را در انتظار اتمام جمله گذاشته و جمله دیگری را آغاز می کند.

فرو د بزرگ [Forude bozorg]: گوشه ای در دستگاه شور، ماهور، سه گاه و چهارگاه.

آ, a Adam (آدم) S, s Sarkes (سرکش) J, j Jamw (جمع) Q, q Qarq (غرق) X, x Y, y Xayyam (خیام)
Z, z Zale (زاله) C, c Cub (جوب) V, v Vojdān (وحدان) I, i Iran (ایران)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

فرود بموره [Forude bemore]: لحنی در دستگاه راست پنجگاه و همایون.

فرود بیداد [Forude bidād]: گوشه ای در دستگاه همایون.

فرود پلاگال [Forude Plāgāl]: فرودی که با انتقال هارمونی از درجه چهارم به درجه اول گام، انتظاری برای شنونده باقی نخواهد گذاشت.

فرود چکاوک [Forude Cakāvāk]: نام پرده ای مهم و اصلی که در دستگاه همایون نواخته میشود.

فرود حصار [Forude hesār]: نام گوشه ای است در دستگاه چهارگاه.

فرود رسا [Forude rasā]: این فرود در آخر جمله های موسیقی بکار میرود و درست نظیر نقطه ای است که در میان جملات ادبی گذاشته میشود. فرود رسا از: آکورد نمایان و تنیک تشکیل شده است. این فرود با انتقال هارمونی از درجه پنجم به درجه اول گام بصورت متمم در انتهای جملات موسیقی، انتظار شنونده را به پایان میبرد.

فرود زابل [Forude Zābol]: نام گوشه ای است در دستگاه سه گاه.

فرود سه گاه [Forude Se-gāh]: نام لحنی است در دستگاه سه گاه.

فرود کرشمه [Forude Kerešme]: نغمه ای در ردیف دستگاه بیات اصفهان یا عاشوراوندی یا بیات شیراز.

فرود مخالف [Forude Moxālef]: نام گوشه ای است در دستگاه چهارگاه.

فرود مویه [Forude Muye]: یکی از گوشه های دستگاه های سه گاه و چهارگاه.

فرود نارسا [Forude na-rasā]: اگر در هر فرود رسا یکی از آکوردهای تنیک و نمایان بحالت
 (Xayyam) خیام X,x Y,y غرق (Qarq) Q,q جمع (Jamw) W,w J,j سرکش (Sarkes) S,s K,k آدم (Adam) A,a
 و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

معکوس اول نوشته شود، آنرا؛ فرود نارسا گویند.

فروردین، اکبر [Akbar Farvardin]: نوازنده چیره دست تار و همدوره با محمد علی مانی، نصراله دلارام جو و اصغر کرد بچه.

فروزان، مسعود [Maswud Fruzân]: نوازنده چیره دست سنتور در شهرستان بروجرد در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی.

فروزگان، عباس [Abbâs Fruzgân]: نوازنده چیره دست کنترباس در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی.

فروزی، محمد تقی [Mohammad Taqi Fruzzi]: محمد تقی فروزی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در شهر رشت بدنیا آمد. او از کودکی با ردیف و گوشه های آوازی موسیقی ایرانی آشنا شد. در سال ۱۳۴۳ شروع به نواختن سنتور نمود. محمد تقی فروزی از سال ۱۳۵۱ همکاری خود را با فیض دلشاد و مغازه او آغاز نمود. محمد تقی فروزی در حال حاضر، خود صاحب کارگاهی جهت ساخت و تعمیرات سازهای زهی، بادی و پوستی در تهران است.

فروغ، علی [Ali Foruq]: موسیقیدان برجسته ایرانی و از فارغ التحصیلان آکادمی موسیقی بروکسل که در ارکستر سنفونیک تهران به نوازندگی ویلن می پردازد. علی فروغ فرزند، دکتر مهدی فروغ است.

فروغ، مهدی [Mehdi Foruq]: دکتر مهدی فروغ از اعضای هیئت داوران گروه آزمون باربد در پیش از انقلاب بود. آزمون باربد با هدف بزرگداشت موسیقی ایران در سال ۱۳۵۵ تشکیل شد. اعضای دیگر این گروه عبارت بودند از: نورعلی خان برومند، دکتر مهدی برکشلی، علی اکبر شهنازی و دکتر داریوش صفوت. دکتر مهدی فروغ یکی از موسیقیدانها و صاحب نظران بنام معاصر است او در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در شهر اصفهان بدنیا آمد، و از زنده یاد سید رحیم و سید حسین ساعت ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیف و گوشه های موسیقی ایران آشنا گردید. دکتر مهدی فروغ تحصیلات خود را در رشته هنرهای دراماتیک در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک لندن به پایان رسانید و عضو آن آکادمی شد.

دکتر مهدی فروغ سالها در هنرستان عالی موسیقی تدریس میکرد و هم چنین ریاست اداره هنرهای

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

دراماتیک را بعهدہ داشت. از دکتر فروغ آثار بسیاری از آن جمله: موسیقی، تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا و نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران وجود دارد.

فروغی [Foruqi]: میرزا عباس، فرزند آقا موسی بسطامی، کسیکه آغا محمد خان یک گوش او را برید. در سال ۱۲۱۳ هجری در عتبات به دنیا آمد در ۱۶ سالگی به ایران آمد و در ساری مازندران مسکن گزید. فروغی در دربار فتح علی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه بسر میبرد و غزلهای ناصرالدین شاه را، او به پایان میبرد.

فروغی در ۲۵ محرم ۱۲۷۴ هجری در سن ۶۰ سالگی درگذشت.

فروغی، فریدون [Fereydun Foruqi]: خواننده خوش صدا و همدوره با فرهاد سوادکوهی که هردو از صدائی متفاوت برخوردارند. از فریدون فروغی ترانه های بسیاری بجا مانده است از آن جمله: نماز آهنگ از: اسفندیار منفردزه و شعرا از شهریار قنبری. توانی، همونی (قلک چشات). این ترانه را خانم سیمین غانم نیز اجرا کرده است. یه شب مهتاب با شعری از احمد شاملو و آهنگ از اسفندیار منفردزاده و شیداد، تنگنا، غم تنهائی، قوزک پا، ماهی، خسته، زندون دل، قاصدک، دیوانه من، خاک، هوای تازه، آدمک و گرفتار از ترانه های ماندگار این خواننده است.

فرو کوبیدن [Foru-Kubidan]: نواختن آلات کوبه ای نظیر طبل و کوس و...

فرو گفتن [Foru-goftan]: خواندن و آواز سر دادن.

فروهر، بهرام [Bahrām Foruhar]: خواننده خوش صدا و فعال که درلس آنجلس به کار فروش اتوموبیل اشتغال دارد. او خوانندگی را شغل دوم خود میدانند. از آلبوم های این خواننده میتوان به: دنیا قشنگه، مگه تمام عمر چندتابهاره و لحظه شمار اشاره داشت.

فروهر، لیلا [Lilā Foruhar]: لیلا فروهر در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

او، خواننده و بازیگر تاتر و سینماست که از کودکی با بازی در فیلم خروس جنگی (سال ۱۳۴۴ خورشیدی) به کارگردانی اسماعیل پور سعید، فعالیت هنری خود را آغاز نمود. او در همان سال فیلم دیگری بنام مراد و لاله ساخته صابر رهبر را بازی کرد. همبازی او در این فیلم مجید فریدفر بود. در سال ۱۳۴۵ در فیلم های عصیان ساخته ساموئل خاچیکیان و قفس طلائی به کارگردانی رضا صفائی به ایفای

آ،ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i و حدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

نقش پرداخت. فیلم های بعدی لیلا فروهر عبارتند از: دروازه تقدیر، حقه بازان، چهار خواهر، ایمان و سرنوشت در سال ۱۳۴۶. چرخ بازیگر، سلطان قلب ها. منم گریه کردم، سنگ صبور و جاده تبهکاران در سال ۱۳۴۷.

گناه زیبایی و گریه کور در سال ۱۳۴۸. عقاب طلایی و نامادری در سال ۱۳۴۹. شاطر عباس در سال ۱۳۵۰. پخمه و قمار زندگی در سال ۱۳۵۱. تشنه ها در سال ۱۳۵۳. اضطراب، گل خشخاش، رابطه جوانی و میهمان در سال ۱۳۵۵. در فیلم میهمان از صدای لیلا فروهر بعنوان موزیک متن فیلم استفاده شد. همکلاس و شب آفتابی در سال ۱۳۵۶. پرستوهای عاشق سال ۱۳۵۷. باغ بلور سال ۱۳۵۸. فیلم پرستش با شرکت لیلا فروهر به نمایش در نیامد. پس از انقلاب، لیلا فروهر به آمریکا آمد و فعالیت خوانندگی خود را در لس آنجلس متمرکز ساخت. او در این سالها آلبوم های زیادی اجرا و ضبط نموده است، از آن جمله: شانس، هدیه با شهرام صولتی، Love Story و Dance Beat , Planet of harmony، همسفر، هم پرواز و تصویر.

فروهری، بهزاد [Behzād Fruhari]: نوازنده چیره دست نی که در تهران فعالیت دارد. او سالها با جلیل عندلیبی و ارکستر او همکاری داشته و دارد. بهزاد فروهری در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران تدریس می کند.

بهزاد فروهری در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. او از ۱۲ سالگی به نی نوازی روی آورد و اولین استاد او حسن کسائی بود. بعدها او تحت نظر: استاد جلیل شهناز و استاد اصغر بهاری قرار گرفت و ردیف های موسیقی را نزد زنده یاد محمود کریمی آموخت.

فرهاد [Farhād]: فرهاد سوادکوهی؛ خواننده خوش صدا و صاحب سبک قدیمی که هم چنان از فعالیت خوبی برخوردار است. از فرهاد ترانه های ماندگاری چون: وحدت، آینه ها، شبانه، گفتنی ها کم نیست، هفته خاکستری، جمعه، اسیر شب، مرد تنها، خسته، آوار، سقف، گنجیشک، کودکانه و مرد اسیر در دسترس میباشد.

فرهادپور، حسین [Hoseyn Farhād-pur]: نوازنده زبردست غثک آلتو در گروه موسیقی فرامرز پایور که در تهران فعالیت دارد.

حسین فرهاد پور در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در نوشهر بدنیا آمد. در نوجوانی به هنرستان موسیقی ملی در زمان ریاست استاد روح اله خالقی رفت و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل شد. او ابتداء ویلن را نزد استاد صبا، محمزد ذوالفنون و سپس علی تجویدی آموخت.

آ, a A, a آدم (Adam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkesh) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
Z, z زاله (Zale) C, c U, u جوب (Cub) V, v O, o وحدان (Voddan) I, i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

حسین فرهاد پور نواختن ضرب را نزد استاد حسین تهرانی فراگرفت. او از فارغ التحصیلان هنرکده موسیقی ملی، دوره ششم (اردیبهشت ۱۳۵۸) در رشته ویلن است.

حسین فرهاد پور در زمینه ساخت موزیک متن فیلم نیز مهارت داشته و موزیک متن فیلم: پرچم دار به کارگردانی شهریار بحرانی از کارهای اوست.

چشمه ساران آلبومی است از کارهای این آهنگساز که توسط بهرام باجلان اجرا شده است.

این هنرمند سالها، رهبری ارکستر صبا را به عهده داشت.

فرهاد، هنر سرا [Honarsarāye Farhād]: مرکز خرید و فروش و تعمیرات انواع آلات موسیقی که در عشرت آباد، خیابان سپاه تهران قرار دارد.

فرهادی، فرزین [Farzin Farhādi]: آهنگساز و نوازنده چیره دست ساکسیفون که در لس آنجلس از فعالیت بسیار خوبی برخوردار است فرهادی از همکاران نزدیک شهبال شب پره میباشد.

فرهادی، فرشید [Farsid Farhādi]: آهنگساز، ترانه سرا و تنظیم کننده آهنگ که در آمریکا زندگی می کنند. از نمونه کارهای او میتوان به آلبوم: عشق تو با صدای پیروز اشاره داشت.

فرهت، شاهین [Šāhin Farhat]: از اعضای هیئت علمی گروه موسیقی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. دیگر اعضای این هیئت عبارتند از: دکتر محمد تقی مسعودیه و دکتر داریوش صفوت.

شاهین فرهت از آهنگسازان معروف ارکستر سنفونیک تهران میباشد.

فرهت، هرمز [Hormoz Farhat]: هرمز فرهت در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

او در سال ۱۳۲۸ جهت تحصیل در رشته آهنگسازی به آمریکا رفت و دکترای خود را در ۱۹۵۵ میلادی دریافت داشت.

دکتر هرمز فرهت، موسیقیدان مشهور که متأسفانه بخاطر عدم شناخت به موسیقی ایرانی، همواره در راه ناچیز شمردن این هنر ملی اصرار ورزیده است. از کلام ایشان چنین بر می آید که: موسیقی ایرانی چیزی نیست، تمام موسیقی ایرانی به اندازه یک قطعه کار باخ هم نمیشود!! تحصیلات موسیقی دکتر هرمز فرهت در آمریکا بوده است. دکتر هرمز فرهت در زمینه ساخت موزیک متن فیلم از فعالیت خوبی برخوردار بوده. به نمونه هایی از کار ایشان اشاره می شود: آقای هالو به کارگردانی داریوش مهرجویی، پست چی به کارگردانی داریوش مهرجویی، صادق گُرده به کارگردانی ناصر تقوایی و آرامش در حضور

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub)

دیگران به کارگردانی ناصر تقوایی.

دکتر فرهت، مدتی هم رئیس گروه موسیقی دانشگاه تهران بود و زمانی هم به مقام رهبری ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون رسید.

فرهمنند [Farahmand]: نام مستعار قاسم جبلی در آغاز کار خوانندگی او. لطفاً به جبلی، قاسم نگاه کنید.

فرهمنند [Farahmand]: فرهمنند یزدانی خواننده، ترانه سرا، آهنگساز و تنظیم کننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: قصه بازگشت در دسترس میباشد.

فرهمنند، اصغر [Asqar Farahmand]: نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با ناصر فرهنگ فر، اصغر قهرمان، نصرت جانان و هوشنگ مهرورزان.

فرهمنند بافی، محمود [Mahmud Farahmand Báfi]: نوازنده چیره دست ضرب که همکاری نزدیکی با کامکارها دارد. دو نوازی او با بهمن رجبی، نوازنده دیگر تنبک از ویژه گی خاصی برخوردار است.

فرهمنند، بشیر [Bašir Farahmand]: سرپرست اداره کل انتشار و تبلیغات رادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

فرهمنند حسابی، مریم [Maryam Farahmand Hesābi]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی در رشته پیانو.

فرهمنند، محمود [Mahmud Farahmand]: محمود فرهمنند در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در روستای آسیابک زرند از توابع شهرستان ساوه بدنیا آمد. در نوجوانی به هنرستان موسیقی ملی که ریاست آنرا استاد حسین دهلوی داشت رفت. اولین استاد فرهمنند، هوشنگ ظریف بود. بعد از هوشنگ ظریف، کار آموزش تار بعهده استاد حبیب اله صالحی محول میگردد و در سال پنجم و ششم هنرستان به کلاس استاد علی اکبر خان شهنازی میرود، او سپس در دانشگاه تهران از محضر دکتر داریوش صفوت و دکتر برومند بهره ها میگیرد. محمود فرهمنند از سال ۱۳۵۵ همکاری خود را با رادیو تلویزیون ملی ایران آغاز

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کرد و مدت سه سال سرپرستی کارگاه موسیقی مرکز کرمانشاه را به عهده داشت.

فرهمنندی، علی [Ali Farahmandi]: دکتر علی فرهمنندی، مدیرکل اداره نگارش و هنرهای زیبا و از اعضای کمیسیون رد یا قبول پیشنهاد پرویز محمود، رئیس هنرستان عالی موسیقی (۱۳۲۵ - ۱۳۲۹ خورشیدی). مبنی بر حذف موسیقی ایرانی از دروس هنرستان عالی موسیقی بود. پرویز محمود عقیده داشت که: موسیقی ایرانی، یک نوع موسیقی محلی است و فاقد متدها و کتابهای فنی و نظری است و نمیتواند پایه و اساس تعلیمات یک آموزشگاه عالی موسیقی باشد. از اعضای دیگر کمیسیون میتوان به: سرهنگ غلام حسین مین باشیان، بدیع الزمان فروزانفر، علی نقی وزیری اشاره داشت.

متأسفانه رای کمیسیون در سال ۱۳۲۷ مبنی بر حذف موسیقی ایرانی و صرفاً تدریس موزیک کلاسیک غربی اعلام و به مرحله اجرا گذاشته شد. دکتر علی فرهمنندی، از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بودند.

فرهنگ، تاتر [Teatre Farhang]: این تاتر به همت آقای نوشین در سال ۱۳۲۲ تأسیس و سپس برای مدتی، بدست آقای صدری اداره میشد. تاتر فرهنگ، مکانی بود برای اجرای نمایشنامه و فعالیت هنرمندان موسیقی.

فرهنگ، تالار [Tâlâre Farhang]: مکانی برای اجرای موسیقی، تاتر، سخنرانی و جشن های ملی که در خیابان حافظ تهران قرار دارد.

فرهنگ خانه [Farhangxâne]: مرکز آموزش موسیقی سنتی و کلاسیک، واقع در اقدسیه تهران.

فرهنگ خانه، [Farhangxâne]: مؤسسه فرهنگی و هنری در مازندران که به همت هنرمندان گرانقدر احمد محسن پور، جهانگیر نصیری اشرفی و حسین طیبی تأسیس شده است.

فرهنگ سازها، کتاب [Ketâbe Farhang sâzhâ]: نوشته استاد حسین علی ملاح از انتشارات کتاب سرا. تهران چاپ اول ۱۳۷۶ خورشیدی.

فرهنگ فر، ناصر [Nâser Farhangfar]: نوازنده چیره دست تنبک و دف و همدوره با عبدالمجید

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

کیانی، جلال ذوالفنون، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان و داریوش طلائی.
ناصر فرهنگ فر، سالها نزد استاد نور علی خان برومند، سعید هرمزی، یوسف فروتن، اصغر بهاری و محمود کریمی موسیقی آموخت.

فرهنگ، کمال الدین [Kamāl-eddin Farhang]: کمال الدین فرهنگ در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در شهرستان سنندج بدنیا آمد. در نوجوانی به فراگیری و نواختن سنتور و دف پرداخت. بعدها در گروه باربد وزارت فرهنگ و هنر سنندج به سرپرستی زنده یاد حسن کامکار به نوازندگی پرداخت. پس از دریافت دیپلم وارد ارکستر رادیو تلویزیون گوردستان گردید. او سالها از همکاران گروه موسیقی بربط و مشتاق تهران بود.

فرهنگ و ارشاد اسلامی گرگان، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Farhang va Ersāde] [Eslāmiye Gorgān]: از گروه های موسیقی در گرگان که از نوازندگان زیر تشکیل شده است: غلام عباس شریفی (سه تار)، سعید نعمت اللهی (خواننده)، مسعود جاهد (نی) اسداله شهری (سه تار)، مسعود طلوع ناصری (سه تار)، غلامحسین شریفی (تنبک)، علی رمضانی (نی و دف) و عبدالخالق سامانی (کمانچه).

فرهوده [Farhude]: خانم فرهوده از صدابرداران فعال در لس آنجلس که با رادیو صدای ایران KRSI همکاری دارد.

فرهودی ناصر [Nāser Farhudi]: ناصر فرهودی در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در دامغان بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۲ به تهران آمد و در سال ۱۳۵۰ به مدرسه عالی تلویزیون و سینما رفت. ناصر فرهودی در حال حاضر با رادیو تلویزیون ایران همکاری دارد و سریالهایی چون: آرزو و تلخ و شیرین را ضبط نموده است. او از سال ۱۳۵۴ همکاری خود را با استودیو پاپ آغاز نمود و از فیلم هایی که او کار ضبط آنها انجام داده میتوان به: بای سیکل ران، شاید وقتی دیگر، طلسم و عروس اشاره داشت.

فرهی، فرهنگ [Farhang Farrahi]: پژوهشگر، روزنامه نگار، برنامه ساز رادیو تلویزیون. که در پیش از انقلاب برنامه جنگ شب رادیو ایران را تهیه میکرد و در حاضر در لس آنجلس زندگی می کند. برنامه مجله گویا را که به اتفاق پسرش پیام فرهی تهیه و از رادیو ایران 670 AM لس آنجلس پخش میشود، حاوی مطالب بسیاری راجع به موسیقی ایران میباشد.

آ،ا A,a آدم I (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وحدان V,v O,o Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zāle)

فرهی، فریدون [Fereydune Farrahi]: خواننده خوش صدا و قدیمی پیش از انقلاب که از او ترانه های ماندگاری چون: بادبادک با سروده اردلان سرفراز و آهنگ و تنظیم هاملت میناسیان، قلب سنگی، گل سنبل و ترانه مشهور شمع کو، چراغ کو که شعر و آهنگ آنرا جهان بخش پازوکی ساخته است. برقص برقص، مادر و چند ترانه ترکی و خوب ترین خوبها (مهمان) در دسترس میباشد.

فریاد [Faryād]: صوت و آواز بلند.

فریاد کوهستان [Faryāde Kuhestān]: از مقام هائی که در شمال خراسان با نی اجرا میشود.

فریادی [Faryādi]: از آوازهای مهم در موسیقی کاشمر. فریادی ها را چهار بیتی ها تشکیل میدهند. لطفاً جهت آگاهی بیشتر به: کاشمر، موسیقی نگاه کنید.

فریبا [Faribā]: آهنگساز قدیمی که فعالیت او در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی بیشتر در زمینه ساختن موزیک متن فیلم متمرکز بود. از این آهنگساز، موزیک متن فیلم: اشتباه ساخته مهندس منصور مبینی و باشرکت مهین دیهیم، آذر بختیاری در سال ۱۳۳۲ خورشیدی قابل ذکر است.

فریده [Farideh]: خواننده فعال مقیم نیویورک که به آتشپاره نیویورک معروف است.

فریور، حسین [Hoseyn Farivar]: حسین فریور در سال ۱۳۲۸ در شهرستان بروجرد بدنیا آمد و چون دارای صدای خوبی بود، بنا به تشویق پدر آواز می خواند. او بعدها به اصفهان رفت و در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان به تحصیل پرداخت. او موسیقی را نزد دکتر ابوالفضل سهیلیان و زنده یاد علی ساغری آموخت. او آواز را تحت نظر زنده یاد تاج اصفهانی فراگرفت و سپس به کلاس زنده یاد محمود کریمی رفت و ردیف های آوازی را از ایشان یاد گرفت. او مدتها با ارکستر موسیقی اصیل ایرانی دانشگاه اصفهان که در سال ۱۳۴۸ تشکیل گردید همکاری داشت. حسین فریور در حال حاضر در بروجرد به تدریس ادبیات فارسی و موسیقی اشتغال دارد.

فریوسفی، شهریار [Šahryār Far-Yusefi]: شهریار فریوسفی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در

آ,ā A,ā آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

تهران بدنیا آمد. پس از اتمام دوره ابتدائی در دبستان محتشم کاشانی به هنرستان موسیقی ملی رفت. او در آنجا زیر نظر: استاد علی اکبر شهنازی و هوشنگ ظریف، نواختن تار را آموخت. او در سال ۱۳۵۰ همکاری خود را با ارکستر استاد فرامرز پایور آغاز نمود.

فر یوسفی، یوسف [Yusef Far-Yusefi]: نوازنده چیره دست تار و از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی ایران، دوره اول در خرداد ماه ۱۳۵۵ خورشیدی در رشته تار میباشد.

فزون ساز [Fozunsáz]: آمپلی فایر، تقویت کننده صدا.

فساد لحن [Fesád-lahn]: اصطلاحی در متون موسیقی قدیم ایران.

فسا زاده، شهرام [Šahrám Fasá-záde]: شهرام فسازاده در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدر او فلوت می نواخت و او از ۵ سالگی نواختن فلوت را آغاز نمود. در کلاس ششم ابتدائی به ویلن روی آورد و بنا به توصیه قاسم نیک پو، نوازنده چیره دست پیانو در ارکستر مهدی خالیدی، به هنرستان شبانه موسیقی ملی رفت و آموختن ویلن را نزد استاد رحمت اله بدیعی آغاز نمود. او ۵ سال تحت نظر استاد بدیعی بود و هفت سال هم، نزد ژرژ مارتینوروسیان و روبیک ملیک آزاریان مشق ویلن نمود. فسازاده از سال ۱۳۴۹ همکاری خود را با گلوریا روحانی و مرتضی جوهری آغاز نمود.

فستیوال موسیقی [Festivále Musiqi]: فستیوال موسیقی: جشنواره‌ای که طی آن قطعات مختلف موسیقی اجرا میشود.

فشارکی، حمید [Hamid Fešáraki]: دکتر حمید فشارکی نوازنده چیره دست سنتور در ارکستر موسیقی اصیل ایرانی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸ خورشیدی میباشد. اعضای این ارکستر عبارت بودند از:

ناهید دائی جواد (خواننده)، دکتر ابوالفضل سهیلیان (ویلن)، ابوطالب حسین پور (ضرب)، بیژن مؤیدی (سنتور) و حسین فریور (خواننده).

فشاندن [Fešāndan]: دست برافشاندن، دست افشاندن.

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

فشندی، حاجی محمد تقی [Háji Mohammad-Taqi Fašandi]: از خوانندگان و شبیه خوانهای عهد قاجاریه است.

فصیحی هروی [Fasihi Heravi]: میرزا فصیح الدین فصیحی انصاری هروی از شاعران مشهور سده یازدهم و در قصیده و غزل در شمار استادان مقدم خویش بوده است. او آغاز جوانی و ابتدای دوران شاعری را در هرات گذراند. وفات فصیحی در سال ۱۰۴۹ هجری اتفاق افتاد. دیوان این شاعر حاوی ۶ هزار بیت است و از آن نسخه‌ای در کتابخانه بانکی پور موجود است.

فضائل خوانی [Fazáel-xáni]: نوعی موسیقی آوازی در زمان صفویه که برای ترویج مذهب از آن استفاده میشده است.

فضل‌اله جمالی اردستانی [Fazl-olláh -Jamali Ardestáni]: از شاعران و عارفان معروف سده نهم هجری است. او مؤسس سلسله‌ای از صوفیان بنام: سلسله پیرجمالیه است. تخلص او در شعر «جمالی» است. کلیات شعر این شاعر وجود دارد. سال وفات او ۸۷۹ هجری است.

فضل‌اله خان [Fazl-olláh Xán]: سرهنگ فضل‌اله خان رئیس دسته موزیک سربازخانه در شیراز به سال ۱۲۹۸ هجری بود. سرهنگ فضل‌اله خان با نواختن ویلن هم آشنائی داشت.

فضولی بغدادی [Fzuli Baqdádi]: محمد بن سلیمان بغدادی، متخلص به فضولی از شاعران پارسی سرا و ترکی گوی سده دهم هجریست. او از طایفه بیات و اصلاً آذربایجانی بود ولی زادگاهش در کربلا بوده است. از ساقی نامه او بنام «هفت جام» نسخه‌های متعددی وجود دارد. او دیوان قصیده‌ای به ترکی دارد و هم چنین مثنوی لیلی و مجنون، شاه و گدا و بنگ و باده.

فعلی [Fewli]: گوشه‌ای در دستگاه بیات ترک، بیات زند، بیات قاجار و دستگا ماهور.

فغانی [Faqáni]: بابا فغانی شیرازی از شاعران مشهور نیمه سده نهم و اوایل سده دهم هجری است. غزل‌های این شاعر بسیار معروف است. اصل او از شیراز است.

در سی سالگی به هرات رفت و به خدمت جامی رسید، اما در آن شهر ماندگار نشد و به تبریز رفت و

وات‌های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdán) وحدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u (Zale) زاله Z,z (Jamw) جمع J,j W,w (Sarkes) سرکش S,s K,k Š,s (Qarq) غرق Q,q X,x Y,y (Xayyam) خیام A,a Á,a (Ádam) آدم Á,a A,a

دربارگاه سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۳ - ۸۹۶ هجری) پذیرفته شد.

فغفور گیلانی [Faqfur Gilāni]: فغفور گیلانی از شاعران و عالمان سده دهم و یازدهم هجری است.

نامش محمد حسین است و فغفور تخلص او. در ابتدای عمرش در خدمت خان احمد گیلانی گذشت. در سال ۱۰۱۲ او از اصفهان به هند سفر کرد. دیوان این شاعر قریب به چهار هزار بیت دارد و سال وفات او را ۱۰۲۹ نوشته اند.

فقیر دهلوی [Faqir Dehlavi]: میرشمس الدین شاه جهان آبادی متخلص به فقیر از شاعران سده دوازده هجری است. او در سال ۱۱۱۵ هجری در دهلی بدنیا آمد، و در سال ۱۱۸۳ بر اثر غرق شدن در آب، چشم از جهان فرو بست.

مثنوی: واله و سلطان، دیوان قصیده ها و غزلها و کتاب حدایق البلاغه از او باقی مانده است.

فقیشتات [Fqaysāt]: سازی است ضربی از خانواده قاشقک.

فکری، جواد [Javād Fekri]: نوازنده زبردست و همدوره با مرتضی گرگین زاده و حسین وکیلی.

فکری، معز دیوان [Moez-Divān Fekri]: معز دیوان، از نوازندگان چیره دست ویلن در ارکستر علی نقی وزیری بود.

فکور، کریم [Karim Fakur]: کریم فکور، ترانه سرای مشهور معاصر در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. او شاعری را با سرودن اشعار فکاهی آغاز کرد. شعر را از سال سوم دبیرستان سرود و در سال ششم ادبی دبیرستان پانزده بهمن بود که عضویت ادبی دبیرستان را به عهده داشت و به انتشار مجله و جلسات سخنرانی و شعر خوانی مبادرت میورزید. او سالها ریاست اداره انتشارات و آمار و بررسی های اقتصاد بانک بازرگانی را به عهده داشت. کریم فکور از سال ۱۳۲۵ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و ضمن همکاری با رادیو، بنا به دعوت مدیران تاتر تهران، ترانه هایی جهت اجرای پیش پرده سرود. از ترانه های ماندگار کریم فکور «یار بی وفا» با صدای جمشید شبیانی است که آهنگ آنرا زنده یاد حسن رادمرد ساخته است. مونس دل ترانه دیگری از سروده های کریم فکور است که آنرا، علی زاهدی اجرا کرده است. کریم فکور حدود پانصد ترانه و سرود ساخته است.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

از مشهورترین ترانه های او: سکوت شکسته، غوغای ستارگان با صدای پروین. گلنار، شمع شبانه، شادم، کو آن محفل مستی با صدای داریوش رفیعی و ترانه های دیگر چون: خوشه چین، اشک شوق، شبهای تهران، ساغر شکسته، گل میخک و نسیم.

کریم فکور سالها با روزنامه توفیق همکاری داشت و با نام مستعار فتنه مطلب می نوشت. او در هیئت تحریریه روزنامه حاجی بابا که سردبیرش زنده یاد پرویز خطیبی بود فعالیت میکرد. کریم فکور از فارغ التحصیلان رشته حقوق دانشگاه تهران بود. در زمینه فیلمسازی و فیلم نامه نویسی میتوان به برخی از فیلم های او اشاره داشت.

شاهین طوس در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در مقام کارگردان و نویسنده با همکاری علی اصغر شمیم و فیلم های: ظالم بلا (۱۳۳۶)، شیر فروش (۱۳۳۹)، پست چی (۱۳۴۰) و وسوسه شیطان (۱۳۴۶) بعنوان سناریست. کریم فکور در سال ۱۳۷۵ چشم از جهان فرو بست.

فلاح، حسین [Hoseyn Fallāh]: نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با مسعود میثاقیان.

فلاح، مهدی [Mehdi Fallāh]: مهدی فلاح در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در شهر بابل بدنیا آمد. در دوران دبیرستان به خوشنویسی روی آورد. او از استاد حسین میرخانی و استاد غلام حسین امیرخانی آموزش های لازم را دید.

مهدی فلاح از راه خوشنویسی با استاد محمد رضا شجریان آشنا شده و آواز را از ایشان فرا میگیرند. استاد های دیگر مهدی فلاح عبارت بودند از: استاد احمد عبادی، عبدالعلی وزیری، زیداله طلوعی و حسین عمومی.

از مهدی فلاح، نواری بنام: بیکران با همکاری گروه شیدا در دسترس میباشد.

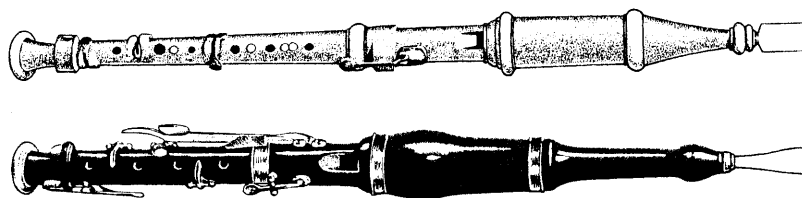
فلاح، ناصر [Nāser Fallāh]: نوازنده چیره دست پیانو و کی بورد و استاد تعلیم این دو ساز و آواز که در لس آنجلس به کار تدریس موسیقی اشتغال دارد.

فلاژوله [Flājole]: سازی است بادی چوبی، از نوع فلوت کوچک. از این ساز بیشتر در جشن های محلی استفاده می کنند. وسعت صدای این ساز دو اکتاواست.

فلاژوله از علائم موسیقی نیز میباشد. فلاژوله ها، روی یک نت بفاصله یک چهارم درست بالاتر به شکل چهار گوش قرار میگیرند. در این مورد اگر نت زیرین با سیم باز اجرا شود، انگشت را در محل نت بالائی بر سیم مماس کنند و در غیر اینصورت، سیم را با انگشتی در محل نت زیرین گرفته و با انگشت دیگر، در

آ, a آد (Ādam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkesh) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I, i وجدان (Vokdan) V, v O, o چوب (Cub) U, u C, c زاله (Zāle) Z, z

محل نت چهارگوش بالائی آنرا لمس می کنند.



فلواتاندو [Flowtando]: به معنی صدای همانند فلوت آمده است، صدائی که سازهای آرشه‌ای مانند ویلن. با فشار اندکی بر آرشه و فشار دست چپ بر روی سیم ها، مشابه صوت فلوت ایجاد کنند.

فلکی شروانی [Falaki Šervāni]: نجم الدین محمد فلکی شروانی از شاعران بزرگ اواخر سده ششم هجری است. زادگاه او شماخی محل زندگی شروانشاهان بود. او از معاصران خاقان اکبرین فریدون و پسر او اخستان است. فلکی شروانی در سال ۵۸۷ چشم از جهان فرو بست. دیوان شعر این شاعر را بالغ بر هفت هزار بیت نوشته اند ولی امروزه بیشتر از دو هزار بیت در دست نمیباشد.

فلوت [Flut]: سازی است بادی چوبی. معادل فارسی فلوت، نای می باشد. فلوت بر دو نوع است. نوع اول آن که از راس نای در آن می دمند و دارای یک زیانه است. نوع دوم آن فلوتی است که نوازنده بطور مورب آنرا بر لب میگذارد و از سوراخی که بر بدنه فوقانی ساز تعبیه شده است در نای می دمد. این نوع فلوت امروزه در ارکسترها استفاده میشود، و به آن فلوت بوم میگویند. امروزه بیشتر این ساز را از جنس نقره و ورشو میسازند. درازای فلوت بوم بین ۶۶ تا ۶۷ سانتی متر است. وسعت صدای فلوت بوم از **do** زیر حامل تا **do** بالای حامل با پنج خط اضافی است. فلوت بوم، قادر به اجرای اصوات قوی یعنی «ff» نیست.

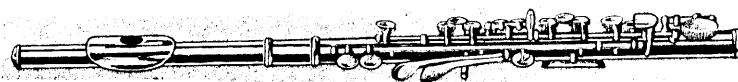


فلوت آلتو [Flute Alto]: با وسعت صوتی یک فاصله چهارم بم تراز صوت فلوت. فلوت آلتو با نام باس فلوت هم شهرت دارد.

فلوت اوگاب [Flute Ugáb]: فلوتی در موسیقی یهودیان.

فلوت باس [Flute Bäs]: از انواع فلوت در گروه های بزرگ موسیقی با وسعت یک اکتاو بم تراز فلوت معمولی.

فلوت پیکولو [Flute Pikolo]: فلوت کوچک بی زبانه با وسعتی حدود سه اکتاو. طول آن ۳۰ سانتی متر است. این ساز قادر به اجرای کلیه فاصله های کرماتیک میباشد. این ساز، زیرترین ساز در ارکسترهای بزرگ سنفونی است.



فمک [Famak]: به دهانه کوچک نای اطلاق میشود.

فن [Fan]: سرود، آواز طرب انگیز، نغمه.

فنجان ساز [Fenjan-Sáz]: سازی است ضربی متشکل از پانزده ظرف به اندازه های مختلف که با وارد کردن ضربه بر آنها، صدا های گوناگون تولید میشود. سابقاً به این ساز «کاسات» می گفتند.

فندق زدن [Fandoq-zadan]: نوعی بشکن که با آن اصول وزن را نگاه میدارند.

فوائدالسماع [Favaed-ol-samaw]: کتابی در باره سماع از محمد علی حزین زاهدی گیلانی لاهیجانی (۱۱۰۴ - ۱۱۸۱ هجری).

فوجی نیشابوری [Fouji Nisaburi]: ملا مقیم معروف به مقیما و متخلص به فوجی در نیشابور دنیا آمد. او در عهد شاه جهان به هند رفت و در بازگشت به ایران در سال ۱۰۶۴ هجری درگذشت. از دیوان این شاعر نسخه ای به شماره 302 or در کتابخانه موزه بریتانیا وجود دارد که حاوی ۵ هزار بیت میباشد.

فورتاپ [Fortáp]: 4-TOP شرکت تولید صفحه و نوار موسیقی، خصوصاً غربی که پیش از انقلاب در ایران از فعالیت بسیار بالائی برخوردار بود.

فولادی، نیر [Nayyer Fuládi]: لطفاً به فرح نگاه کنید.

فولکلور [Folklor]: در موسیقی، مفهومی مانند؛ آهنگ عروسی و عامیانه یا محلی برای آن میتوان یافت. واژه فولکلور، ابتداء توسط Ambroise Morton مورد استفاده قرار گرفت که مفهوم آثار باستانی و ابیات بومی و محلی را در بر داشت.

فونبره [Funebere]: اندوهگین و غم انگیز.

فونتیک [Fonetik]: صوت شناسی، مطالعه اصوات و آنچه که در رابطه با قوه شنوایی است.

فونکسیون [Fonksion]: فونکسیون یا نقش: موقعیت هر آکورد را در هر تنالیت، فونکسیون آن آکورد می نامند. مثلاً فونکسیون آکورد do, mi, sol در تنالیت do, maژور I و در sol maژور IV و در fa maژور یا fa مینور V، در mi مینور VI خواهد بود. فونکسیون هر آکورد با اعداد رومی مشخص میشود: I, II, III, IV, V, VI, VII, VIII, IX, X, XI, XII.

فونوگراف [Fonográf]: ضبط صوت، دستگاهی که نخستین بار توسط توماس ادیسون اختراع شد. او برای دستگاه خود از استوانه بومی استفاده کرد.

فهرج، موسیقی [Musiqiye Fahraj]: موسیقی منطقه فهرج، واقع در جنوب شرقی کرمان، متأثر از فرهنگ و موسیقی بلوچستان است. پیوند موسیقی فهرج با بلوچستان را میتوان در برخی آوازاها مشاهده کرد. در منطقه نرماشیر و فهرج به آوازهائی با عنوان «غریبی» برخورد می کنیم که دارای کیفیت های ویژه ای هستند که در شروه های منطقه بوشهر نیز دیده میشود. از آنجائی که کرمان طی سده های بسیاری، مسکن زرتشتیان و پارسیان اصیل بوده، بنظر میرسد که آوازه های غریبی از پیشینه و اصالت بالائی برخوردار است. آواز غریبی، اصیل ترین فرم آوازی در منطقه نرماشیر و فهرج است. آوازاها و نواها و رقص های مربوط به عروسی در فهرج و نرماشیر از فرهنگ بلوچی تأثیر پذیرفته است.

فهلویات [Fahlaviyát]: ترانه های عامیانه و ملی ایران که ریشه بسیار کهن دارد و امروزه در دشتی و

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i (Vojdan) وحدان O, o V, v (Cub) جوب C, c U, u (Zale) زاله Z, z (Xayyam) خیام X, x Y, y (Qarq) غرق Q, q (Jamw) جمع J, j W, w (Sarkes) سرکش S, s K, k S, s (Adam) آدم A, a Á, á

بختیاری خوانده میشوند.

سالها قبل، نمونه‌ای از فلهلویات معاصر توسط کوهی کرمانی در مجموعه کتابی بنام؛ ترانه های بومی و محلی گردآوری گردیده است.

فهیمی، توحید [Touhid Fahmi]: استاد تعلیم موسیقی؛ دیکته، سلفژ و ردیف در آموزشگاه موسیقی چنگ تهران.

فهیم دژبان، علیرضا [Ali-reza Fahim Dezbán]: علیرضا فهیم دژبان در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۳ وارد مدرسه عالی تلویزیون و سینما شد و از سال ۵۶ کار صداپردازی را رسماً در بخش تولید رادیو آغاز کرد. علیرضا فهیم دژبان بعدها در رشته برق موفق به دریافت دانشنامه مهندسی گردید. او همکاری نزدیک با تالار رودکی دارد.

فهیمه [Fahime]: خواننده خوش صدا و صاحب سبک ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: بنام عشق با پنج ترانه «آدم و حوا» تنگ بلور، «زن عاشق» نارفیک و ترانه لری تفنگ در دسترس میباشد.

فهیمی، اردشیر [Ardešir Fahimi]: اردشیر فهیمی در سال ۱۳۳۳ در شهرستان سنندج بدنیا آمد. در کودکی به کلاس استاد حسن کامکار رفت و ویلن را نزد این هنرمند بزرگ گرد آموخت. سپس به تشویق استاد کامکار، قیچک را انتخاب و رموز نواختن آنرا آموخت. فهیمی پس از دیپلم، وارد دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران شد. او از سال ۱۳۵۸ وارد ارکستر سنفونیک تهران گردید.

فهیمی، ایرج [Iraj Fahimi]: ایرج فهیمی در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در روستای چالکرو در شهرستان تنکابن مازندران بدنیا آمد. دوران متوسطه را در رامسر طی و دیپلم را در تهران گرفت. او در سال ۱۳۴۷ به استخدام رادیو در می آید و بکار صداپردازی می پردازد. اولین ارکستری که وی مسئولیت صداپردازی آن را بعهده داشت؛ ارکستر شما و رادیو بود.

فهیمی، باقر [Báqer Fahimi]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان آقامیرزا عبدالله است.

فهیمی، حسین [Hoseyn Fahimi]: نوازنده چیره دست کمانچه در عهد قاجاریه.

فهیمی، خانواده [Xānevādeye Fahimi]: خانواده فهیمی در عهد قاجاریه تمامی اهل موسیقی و هنر بودند. محمود نعیم السلطنه پدر این خانواده سه تار میزد و هفت پسر او و دخترانش هرکدام سازی میزدند:

عباس دبیر رسائل (سنتور)، خلیل فهیمی (تار)، مهدی معین الممالک (ضرب)، حسین فهیمی (کمانچه)، علی فهیمی (حمیدالسلطنه) (سه تار و آواز)، رضا فهیمی و باقر فهیمی (سه تار)

فهیمی، خلیل [Xalil Fahimi]: نوازنده چیره دست و قدیمی تار و همدوره با ارفع الملک، فحام الدوله، محسن میرزاظلی و خازن الدوله. خلیل فهیمی از شاگردان آقا حسین قلی است.

فهیمی، رضا [Rezā Fahimi]: نوازنده چیره دست سه تار در عهد قاجاریه و از اعضای خانواده فهیمی. لطفاً به فهیمی، خانواده نگاه کنید.

فهیمی، علی [Ali Fahimi]: علی فهیمی (حمیدالسلطنه) نوازنده سه تار و خواننده مشهور عهد قاجاریه.

فهیمی، عباس [Abbās Fahimi]: عباس فهیمی (عباس دبیر رسائل) نوازنده چیره دست سنتور در دوره قاجاریه و پسر بزرگ محمود نعیم السلطنه نوازنده زبردست سه تار است.

فهیمی، کوچک [Kucak Fahimi]: از صدا برداران قدیمی رادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی.

فهیمی، محمود [Mahmud Fahimi]: محمود فهیمی (نعیم السلطنه)، نوازنده چیره دست سه تار در عهد قاجاریه است. لطفاً جهت اطلاعات بیشتر به فهیمی، خانواده نگاه کنید.

فهیمی، مهدی [Mehdi Fahimi]: مهدی فهیمی (معین الممالک)، نوازنده زبردست ضرب در عهد قاجاریه است.

فهیمی نیا، اسماعیل [Esmāwil Fahiminiyā]: اسماعیل فهیمی نیا در سال ۱۳۲۴ در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی به کلاس زنده یاد اسماعیل مهرتاش رفت. سپس تحت نظر استاد محمد رضا شجریان،
 آ،ا A,a آد (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

استاد آواز، خط و ساز سازی به فراگیری ساخت سنتور پرداخت. او سنتور نوازی را از رضا شفیعیان آموخت. اسماعیل فهیمی نیا در حال حاضر در سوئد بسر میبرد.

فیاض، شهاب [Šahāb Fayāz]: نوازنده چیره دست نی در تهران و از همکاران سعید کام جو (کمانچه)، مهران قلعه‌ئی (سنتور)، داود آزاد (تار)، رضا موسوی زاده (تار) و غلامرضا صدرالدین (تنبک).

فیاض لاهیجی [Fayāze Lāhiji]: ملا عبدالرزاق لاهیجی قمی، متخلص به فیاض از حکیمان و شاعران مشهور سده یازدهم هجری است. او از شاگردان معروف؛ ملا صدرا ی شیرازی است که سمت دامادی او را داشت. دیوان اشعار او در دو جلد به شماره های 728 و 730 supp در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد.

فیاض، هاشم [Hašem Fayāz]: از نوحه و تعزیه خوانهای معروف تهران در نیم سده گذشته. او در تعزیه به کار تعزیه گردانی (کارگردانی) نیز اشتغال داشت.

فیت فیت [Fit Fit]: سازی است بادی که در گوردستان بسیار رایج است. برخی آنرا سوتک می گویند و برخی اعتقاد دارند که نای کوچکی است شبیه دودوک.

فی جمل الموسیقی [Fi Jamal-al-Musiqi]: نام کتابی در خصوص موسیقی، نوشته محمد بن ذکریای رازی.

فیدل [Fidel]: از آلات زهی در قرون وسطا.

فیدل جد ویلن بوده است.



فیروز [Firuz]: از ردیف های دستگاه راست پنجگاه.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الضای) نوین برای درست خواندن

فیروز بخت، مهیار [Mahyār Firuz-baxt]: مهیار فیروز بخت در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در کرج بدنیا آمد. در کودکی به نواختن ویلن پرداخت. اولین استاد او هنرمندی بود بنام محلوجی. بعدها به کلاس درس زنده یاد حسین یاحقی رفت و به فراگیری کمانچه پرداخت. در ده سالگی به رادیو ایران رفت. در نوجوانی پس از ثبت نام در هنرستان عالی موسیقی از استاد هائی چون: رحمت اله بدیعی و زنده یاد حبیب اله صالحی بهره ها برد. مهیار فیروز بخت در سال ۱۳۵۳ به استخدام سازمان رادیو تلویزیون درآمد. این هنرمند علاوه بر نواختن ویلن و کمانچه که ساز اصلی اوست با نواختن: تار، عود، سه تار، سنتور، قانون و ضرب آشنائی داشته و آنها را خوب می نوازد. او در حال حاضر نزدیک به سی سال است که به تعلیم هنرجویان اشتغال دارد. کلاس موسیقی او در کرج واقع است.

فیروز کوهی، امیری [Amiri Firuz-Kuhi]: زنده یاد فیروز کوهی، شاعر و ترانه سرای مشهور معاصر و هم دوره با دکتر رعدی آذرخشی، دکتر داریوش صفوت و حسین علی خان نکیسابود.

فیروز گر ناقوسه [Firuzgarnāquse]: نام نغمه یا ترانه ای در موسیقی عهد باستان ایران که شبیه پیش درآمدهای امروزی است.

فیروز میرزای نصرت الدوله [Firuz Mirzāye Nosrat-oddolah]: استاد کمانچه در دوره سلطنت محمد شاه قاجار.

فیروزه [Firuze]: خواننده مردمی و کوچه و بازار پیش از انقلاب که از او ترانه های ماندگاری چون: اون کی بود، نمیاد، ستاره، عشق لاتی، چرا گریه چرا اشک و بریز و بپاش در دسترس میباشد.

فیروزه [Firuze]: خواننده مقیم آمریکا که توسط محمد مقدم به عالم هنر معرفی شده است.

فیروزی لنگه، محمد [Mohammad Firuzi-Lenge]: محمد فیروزی لنگه، در سال ۱۳۰۳ خورشیدی بدنیا آمد. او از کودکی نواختن تنبوره را از پدرش ابراهیم آموخت. محمد، نوازنده زبردست تنبوره (ساز مقدس نوبان) است.

فیروزی، محمد [Mohammad Firuzi]: نوازنده زبردست عود و از همکاران نزدیک استاد حسین

آ،a آ،a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وودان (Voddan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

علیزاده در گروه موسیقی شیدا و عارف است. محمد فیروزی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در نوجوانی به هنرستان موسیقی ملی رفت و سپس وارد دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران شد. او ابتداء تار را نزد استاد رضا وهدانی، حبیب اله صالحی و هوشنگ ظریف آموخت. سپس برای یادگیری عود نزد استاد منصور نریمان رفت. فیروزی سه تار را از استاد هائی چون: محمد رضا لطفی و حسین علیزاده آموخت. آغاز فعالیت هنری محمد فیروزی با گروه سماعی در رادیو ایران بود.

فیروزی مشرقی [Firuzi Mašregi]: از شاعران مشهور عهد صفاریان در ایران است. فیروزی مشرقی در سال ۲۸۳ هجری چشم از جهان فرو رفت.

فیض آبادی، داریوش [Dāryuṣ Feizābādi]: نوازنده چیره دست کمانچه که در تهران فعالیت دارد.

فیض اله [Feyz-ollāh]: از نوازندگان مشهور گیلان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی.

فیض، حسین [Hoseyn Feiz]: حسین فیض در سال ۱۳۴۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۶۶ به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران رفت و تحت نظر: بهزاد فروهری نواختن ساز نی را آموخت. حسین فیض، از سال ۱۳۷۱ همکاری خود را با گروه موسیقی مشتاق آغاز نمود.

فیضی تربتی [Feyziye Torbati]: مولانا علی فیضی، شاعر مشهور سده نهم در جوانی برای کسب علم به هرات رفت و پس از مدت‌ها اقامت در آن شهر به عراق و آذربایجان سفر کرد و سپس به مشهد رفت و در آن شهر به سال ۸۴۷ بدرود حیات گفت. او در غزل پیرو سبک سعدی و حافظ بود.

فیضی فیاضی [Feiziye Fayāzi]: ابوالفیض فیضی فیاضی اکبر آبادی ملک الشعرا دربار جلال الدین اکبر شاه از شاعران و ادیبان بزرگ هند و از سرآمدان شعر پارسی است. اثرهای فیضی متعدد و به نثر و نظم است و شماره آنها را تا ۱۰۱ نوشته اند. کلیات فیضی تشکیل شده است از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و ترکیب بند که حاوی نه هزار بیت است.

فیفِر [Fifr]: سازی است بادی چوبی. در اوایل عصر پهلوی از این ساز در ارتش استفاده میشد. در

آ,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

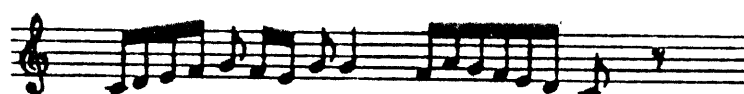
لاروس موسیقی نوشته شده که فیفر فلوت کوچکی است که دارای ۶ سوراخ است.



فیکو [Fiku]: از آلات بادی شبیه به نی که در خراسان مورد استفاده بیشتر چوپانان است.

فیگور [Figur]: گروهی از نت های موسیقی را در یک معیار زمانی مشخص که به روی هم، کوچکترین واحد موسیقی را تشکیل دهند، فیگور گویند.

فیلی [Fili]: از گوشه های بسیار مشهور و مهم بیات ترک. در فیلی، نت شاهد، درجه هفتم شور است. هم چنین فیلی از الحان و گوشه های دستگاه ماهور است.



فیلی (ماهور)

فینال [Final]: بخش پایانی یک قطعه موسیقی را گویند. در موسیقی مقامی ایران، نقش، چیزی شبیه به فینال بوده است.

فینه [Fine]: به مفهوم آخر، پایان و خاتمه یک قطع موسیقی است.



Fin خاتمه یا انتهای قطعه

فیهانی، عَبد [Abed Feyhání]: عَبد فیهانی، بابای زارو مشایخ اروند کنار خوزستان در سال ۱۳۲۰ خورشیدی بدنیا آمد. او رهبر و خواننده آوازهای زارو مشایخ است که پس از فوت پدرش در سن دوازده سالگی به جرگه اهل هوا درآمد و با وجود سن کم، جانشین پدرش شد.